



شعله جاوید



ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

جریده شعله جاوید ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است که عمدتاً در خدمت تدارک، برپائی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی (شکل مشخص کنونی جنگ خلق) قرار دارد. (اساسنامه حزب-مصوب سومین کنگره سراسری)

شماره (۲۱)

دوره پنجم

جوزای ۱۴۰۴ (جون ۲۰۲۵)

اعلامیه مشترک اول می ۲۰۲۵ م. احزاب و سازمان های (م ل م)

اول می، روز پرولتری و انترناسیونالیستی

بر علیه جنگ امپریالیستی، ارتجاع، فاشیزم، سرکوب، فقر و ستم

پرولتاریا، خلق ها [و ملل] تحت ستم جهان متحد شوید!

"پرولتاریا چیزی جزء زنجیرهای خود برای از دست دادن ندارند، آن ها جهانی برای به دست آوردن دارند!"

صفحه (۲)

گزارشات تصویری از روز جهانی کارگر صفحه (۵)

نامه ارسالی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) [TKP-ML] و حزب کمونیست مائوئیست (MKP) ترکیه ! صفحه (۸)

متن دعوتنامه حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) ترکیه به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان صفحه (۱۱)

فراخوان کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند برای هفته جدید اقدام مشترک بین المللی و انترناسیونالیستی از تاریخ ۷ اپریل الی ۱۲ اپریل ۲۰۲۵ میلادی صفحه (۱۲)

متن فارسی پوستر ۷ الی ۱۲ اپریل صفحه (۱۴)

متن انگلیسی پوستر ۷ الی ۱۲ اپریل صفحه (۱۵)

گزارش جمع آوری شده از فعالیت های ۷ الی ۱۲ اپریل فراخوان بین المللی صفحه (۱۶)

«رهائی در صندوق های رای نیست، بلکه در جاده هاست» راه حل در انقلاب است! ارزیابی تحولات اخیر ترکیه توسط رفقای حزب کمونیست ترکیه (مارکسیست - لنینیست) صفحه (۱۹)



— اعلامیه اول می مشترک احزاب و سازمان های (م ل م) - ماه می ۲۰۲۵ میلادی



اول می، روز پرولتری و انترناسیونالیستی

بر علیه جنگ امپریالیستی، ارتجاع، فاشیزم، سرکوب، فقر و ستم

پرولتاریا، خلق ها [و ملل] تحت ستم جهان متحد شوید!

"پرولتاریا چیزی جز زنجیرهای خود برای از دست دادن ندارند، آن ها جهانی برای به دست آوردن دارند!"

قدرت های امپریالیستی مانند ایالات متحده امریکا، ناتو و اتحادیه اروپا خود را با تسلیحات مدرن و مخرب مجهز می سازند و برنامه استفاده از سلاح های هسته ای را روی دست دارند؛ ارتش های خود را تقویت کرده، سرزمین های خود را نظامی می سازند و اقتصاد جنگی را توسعه می دهند.

امپریالیسم روسیه و سوسیال امپریالیسم چین، از یک سو هدف این تهاجمات هستند و از سوی دیگر از بحران امپریالیسم آمریکا / ناتو / اتحادیه اروپا بهره می برند و در صدد ایجاد نظم نوین جهانی اند.

جنگ امپریالیستی از بحران اقتصادی جهانی نظام سرمایه داری امپریالیستی ناشی می شود که خواهان تقسیم مجدد جهان است.

بیا باید اول می امسال، روز جهانی مبارزه طبقه کارگر و ملت های تحت ستم را که در شرایط تشدید تضادهای نظام امپریالیستی و افزایش سرکوب برگزار می شود، در خیابان ها تجلیل نماییم. شرایطی که با مقاومت رو به رشد پرولتاریا و خلق پاسخ داده می شود.

حملات خصمانه امپریالیست ها، دولت ها و حکومت های آنان علیه پرولتاریا و توده ها، بازتابی از تلاش آن ها برای انتقال بحران عمومی و عمیق شان به دوش توده های خلق است.

تمام دولت ها و حکومت های امپریالیستی هزینه های نظامی خود را به طور بی سابقه ای افزایش داده و به صراحت می گویند که باید برای جنگ آماده شویم.

کشتی‌های حامل اسلحه را متوقف می‌کنند، همانطور که در ایتالیا و یونان شاهد بودیم؛ جوانان علیه فاشیزم و نژادپرستی به خیابان‌ها می‌آیند و اعتراض می‌کنند.

ریاست جمهوری جدید فاشیستی-امپریالیستی ایالات متحده تحت رهبری ترامپ، با بازوی عملیاتی صهیونیستی خود یعنی نتانیاهو، طرحی موسوم به «راه حل نهایی» یعنی نسل‌کشی و اخراج مردم فلسطین را به راه انداخته‌اند. در برابر آن، مقاومت قهرمانانه مردم فلسطین و سازمان‌های آن‌ها توسعه یافته و اقدام ۷ اکتبر نیز بار دیگر هدف فلسطین آزاد و تشکیل یک دولت فلسطینی را «از رود تا دریا» به مرکز توجه جهانیان قرار داده است.

مبارزه مردم فلسطین آگاهی و بیداری همه توده‌های عرب را برای رهایی از رژیم‌های عربی هم‌دست صهیونیسم و در هر حال تابع امپریالیسم، شعله‌ور می‌سازد.

همبستگی بین‌المللی با مردم فلسطین پرچم بزرگی است که ملت‌ها را به مبارزه علیه امپریالیسم فرا می‌خواند. در ترکیه، دانشجویان، زنان، کارگران و توده‌های تحت ستم در برابر رژیم فاشیستی اردوغان ایستادگی می‌کنند و آن را بیش‌تر و بیش‌تر در بحران فرو می‌برند.

در برخی کشورهای تحت ستم، از آمریکای لاتین تا آسیا، از آفریقا تا خاورمیانه، اعتراضات و شورش‌های مردمی پیش می‌رود که خواهان شدت گرفتن نبرد انقلابی برای انقلاب دموکراتیک نوینی هستند که به سوی سوسیالیسم حرکت می‌کند. در خط مقدم این مبارزات، زنان چریک، زنان کارگر و سازمان‌های انقلابی زنان قرار دارند که شعله‌های مقاومت را زنده نگه می‌دارند و مبارزات ضروری برای رهایی زنان را در پیوند با مبارزه طبقاتی به پیش می‌برند.

در بسیاری از کشورها، جوانان در حال شورش هستند و در خط مقدم مقاومت قرار دارند؛ مقاومتی که راه انقلاب را می‌طلبند.

در میان مبارزات انقلابی و ضد امپریالیستی در جهان، جنگ‌های خلقی به رهبری نیروهای مارکسیست-لنینیست-مائوئیست، به‌ویژه در هند و فیلیپین، الهام‌بخش‌اند و راه آزادی واقعی از امپریالیسم را به پرولتاریای بین‌المللی و ملت‌های تحت ستم نشان می‌دهند؛ راهی که نیازمند کنار گذاشتن تمام اشکال روبریونیسم، رفرمیزم و هم‌چنان انواع جریان‌های تسلیم‌طلب و شکست‌طلب است. باید تاکید نمائیم که یگانه آلترناتیو واقعی علیه بربریت سرمایه‌داری و امپریالیسم، انقلاب پرولتری است، و تنها راه حل، سوسیالیسم است.

ما کارزار نظامی فاشیستی جاری دولت هند موسوم به «عملیات کاگار» (Operation Kagar) را محکوم می‌کنیم؛ این تهاجم صرفاً حمله‌ای به یک حزب انقلابی یعنی حزب کمونیست هند (مائوئیست) نیست، بلکه حمله‌ای وسیع‌تر به مبارزات توده‌های زحمتکش، آدیواسی‌ها (اقوام بومی) و ملت‌های تحت ستمی است که برای رهایی و کرامت انسانی می‌جنگند.

حمایت از جنگ‌های خلق طولانی‌مدت، وظیفه‌ای اساسی و

تهاجم روسیه به اوکراین، نسل‌کشی جاری در فلسطین توسط دولت صهیونیستی اسرائیل، حملات به لبنان، یمن، سوریه، اشغال کردستان و کشتار مردم کرد توسط دولت فاشیستی ترکیه، و آمادگی آمریکا برای حمله و محاصره چین از طریق فیلیپین و ایجاد اتحادها در منطقه اندو-پاسیفیک، همه و همه بخش‌هایی از مسیر جنگ تقسیم مجدد جهان هستند.

در مقابل این مسیر جنگ، اقدام چین در عرصه اقتصاد جهانی، تهاجم روسیه به اوکراین و هم‌چنین صف‌بندی تدریجی سایر کشورها مانند ترکیه، هند، برزیل و غیره در پی ایفای نقش ژاندارم منطقه‌ای در چارچوب نظام امپریالیستی پاسخ داده می‌شود.

هزینه‌های جنگ و تسلیح مجدد بر دوش پرولتاریا و توده‌ها گذاشته می‌شود؛ با افزایش هزینه‌های زندگی، بیکاری، کار ناپایدار، کاهش هزینه‌های اجتماعی، و حمله به حقوق و مبارزات توده‌ها، سرمایه‌داران بهره‌کشی را شدت می‌بخشند و بیش از پیش پرولتاریا و اقشار تحت استثمار را به بردگان مدرن در خدمت سود تبدیل می‌کنند.

در کشورهای تحت ستم امپریالیسم، فقر و ستم رو به افزایش است و آنان هزینه بحران اقلیمی جهانی و بلایای طبیعی را نیز می‌پردازند.

در حالی که کشورهای امپریالیستی برای جنگ آمادگی می‌گیرند اما در داخل کشورهایشان نیز گرایش به فاشیزم مدرن همراه با بحران امپریالیسم گسترش می‌یابد. این روند در دوره ریاست جمهوری ترامپ و بخشی از طبقه حاکمه بورژوازی امپریالیستی در آمریکا که به قدرت رسیده‌اند، نمود یافته که بقایای دموکراسی بورژوازی را سرکوب می‌کنند، آزادی‌های دموکراتیک را از میان می‌برند، زندان‌ها را پر می‌سازند و شکل‌های دیکتاتوری فزاینده‌ای را برقرار می‌سازند؛ در این میان، احزاب فاشیست و فاشیزم مدرن مطابق با ویژگی‌های کشورهای مختلف در حال گسترش‌اند.

حقوق زنان و آزادی بیان و اندیشه مورد حمله قرار گرفته‌اند؛ نفرت پراکنی، شوونیسم و ناسیونالیسم برای ضربه زدن به مقاومت خلق‌ها و تقسیم پرولتاریا و توده‌ها، در خدمت سلطه طبقات حاکمه و مزدوران‌شان دامن زده و تقویت می‌شود. نژادپرستی با انواع حملات علیه مهاجران تشدید یافته و مهاجران در اشکال مختلف: مرگ در دریا، اردوگاه‌های متمرکز، بهره‌کشی برده‌وار، اخراج‌ها و تبعیدها مورد حمله قرار می‌گیرند. انحصار رسانه‌های قدیم و جدید بیش‌تر در دست الیگارش‌های تکنولوژیک است که سودهای عظیم می‌برند و تلاش می‌کنند فرهنگ تاریک‌اندیشی را در مدارس و دانشگاه‌ها تحمیل کنند.

در سراسر جهان، پرولتاریا و خلق‌ها علیه امپریالیسم، فاشیزم و بدتر شدن شرایط زندگی و کار در حال شورش و مقاومت هستند.

در کشورهای امپریالیستی و سرمایه‌داری، کارگران دست به اعتصابات عمومی می‌زنند، همانند آن‌چه در یونان رخ داد؛ آن‌ها

از پیش نقش قطب پیشرو طبقه کارگر، هسته رهبری تمام پرولتاریا و توده‌ها، و محرک و عنصر مرکزی ساخت یک جبهه متحد انقلابی علیه امپریالیزم، فاشیزم، استثمار و ستم را تثبیت می‌کنند.

انترناسیونالیزم پرولتری خواستار حرکت در مسیر وحدت و مبارزه برای پیش‌روی به سوی انترناسیونال نوین کمونیستی است. در این اول می، باید این گرایش را تقویت کنیم و در صفوف پرولتاریا و مردم تحت ستمی که درگیر مبارزه انقلابی هستند، آن را تثبیت کنیم.

مأموریتی تعیین‌کننده برای احزاب و سازمان‌های کمونیست انقلابی در سراسر جهان است.

پرولتاریا، همراه با کارگران صنعتی در خط مقدم، بزرگ‌ترین ارتش موجود است؛ اگر زحمت‌کشان و مردم تحت ستم [جهان] متحد شوند، می‌توانند به نظام سرمایه‌داری جهانی پایان دهند.

امروز، بیش از هر زمان دیگر، ما نیاز به وحدت احزاب و سازمان‌های کمونیست جهان داریم، بر پایه آموزه‌های بزرگ مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم که در آتش مبارزه طبقاتی، بیش

در این اول ماه می، درفش سرخ انقلاب را برافراشته‌تر کنیم !

جنگ امپریالیستی را از طریق جنگ انقلابی متوقف سازیم و به قدرت پرولتری تبدیل کنیم !

مرگ بر فاشیزم در تمام اشکالش !

آزادی فلسطین از رود تا دریا !

مرگ بر امپریالیزم، آینده از آن سوسیالیزم و کمونیزم است !

امضاءها:

1. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
2. حزب کمونیست استرالیا (مارکسیست-لنینیست)
3. کمیته ساخت‌وساز حزب کمونیست مائوئیست گالیسیه
4. حزب کمونیست هند (مائوئیست)*
5. حزب کمونیست ترکیه - مارکسیست لنینیست (TKP-ML)
6. اتحادیه کارگران کمونیست (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) کلمبیا**
7. وحدت کمونیستی - فرانسه
8. حزب مائوئیست کمونیست - ایتالیا
9. کمیته کمونیست مائوئیست - برزیل
10. حزب پرولتری پوربو بنگالا/ بنگلادش (PBSP)
11. گروه مائوئیستی راه سرخ ایران
12. حزب کمونیست انقلابی نپال
13. اتحاد دموکراتیک دانشجویان خلق - (PDSU) بنگلادش
14. حزب کارگران تونس (الکادحین)

گزارشات تصویری از اول می ۲۰۲۵ م.

به مناسبت روز جهانی کارگر، مجموعه‌ای از تصاویر مستند از کشورهای گوناگون جهان گردآوری شده است که تجلی عینی همبستگی بین‌المللی طبقه کارگر و روحیه انترناسیونالیزم پرولتری است. این تصاویر که صحنه‌هایی از تظاهرات‌ها، گردهمایی‌ها و اقدامات نمادین کارگران را در نقاط مختلف جهان به تصویر می‌کشند، نه تنها بازتابی از شرایط زیست و مبارزه طبقه کارگر در بسترهای متنوع اجتماعی و اقتصادی‌اند، بلکه بیانگر آرمان مشترک آنان برای رهایی از استثمار و دستیابی به عدالت اجتماعی با شعار مشترک «**پرولتاریا، خلق ها و ملل تحت ستم جهان متحد شوید!**» نیز می‌باشند. این مجموعه، پژواکی است از فریادهای متحد کارگران سراسر جهان که مرزهای جغرافیایی را درمی‌نوردد و پیام مبارزه مشترک برای جهانی بهتر را به یاد می‌آورد.



ایتالیا



آلمان - شهر هانوفر مرکز ایالت فدرال نیدرزاکسن



ایتالیا



فرانسه - شهر پاریس



انگلستان - لندن



انگلستان - لندن



یونان - شهر آتن



یونان - شهر آتن



هسپانیا - گالیسیه



تونس



ترکیه



ترکیه



ترکیه



ترکیه



کردستان شمالی ترکیه



کردستان شمالی ترکیه



بنگلاديش



فيلپين



افغانستان



افغانستان



حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



به حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) [TKP-ML] و حزب کمونیست مائوئیست (MKP) ترکیه !

رفقای عزیز:-

و رفته رفته این بحران حادثه از قبل گردیده است و سازمان‌ها و احزاب مارکسیست - لنینیست - مائوئیست و انقلابی جهان، از یک مرکز بین‌المللی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی که توسط رویزیونیست‌های آواکیانی منحل گردید، محروم هستند.

دروهای گرم کمونیستی ما نثارتان باد!

در چنین شرایطی نیاز مبرم به احیای دوباره یک مرکز بین‌المللی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، غرض هماهنگ نمودن مبارزات در سطح جهانی هست و برگزاری همایش‌ها و یادبود از رهبران کبیر پرولتاریا بلادرنج منجر به وحدت احزاب و سازمان‌های کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) در سراسر جهان می‌گردد.

اینگونه برگزاری برنامه‌های مشترک، به وضوح نشان می‌دهد که قدرت ایدئولوژیک - سیاسی رفیق «ابراهیم کایپاکایا» آنقدر ریشه دار و عمیق بوده است که پس از گذشت ۵۲ سال از زمان جان باختن وی، امروز ما شاهد آن هستیم که نه تنها فروکش نکرد، بلکه هزاران کمونیست انقلابی از ترکیه و سایر کشورها به پای برگزاری چنین برنامه‌ها می‌شتابند، یاد او را گرامی می‌دارند و تعلیمات او را فرا گرفته و به نسل‌های بعدی انتقال می‌دهند.

برگزاری چنین محافل مشترک نشان می‌دهد که دفاع از خدمات ارزنده رفیق «ابراهیم کایپاکایا» نه تنها دارای ارزش تاریخی و آکادمیک است بلکه عمیقاً به پیش‌برد مسائل انقلابات پرولتری و زندگی وی نیز ربط دارد و احزاب کمونیست (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) جهان می‌بایست روی چنین ارزش‌های انقلابی بخاطر پیشبرد مستمر انقلاب تأمل نمایند و برای ایجاد اصولی یک مرکز بین‌المللی مائوئیستی از طریق تشکیل یک

برگزاری برنامه مشترک شما به تاریخ ۱۰ ماه می ۲۰۲۵ میلادی، بمناسبت یادبود از پنجاه و دومین سالید جان باختن رهبر گرانقدر پرولتاریای ترکیه رفیق «ابراهیم کایپاکایا» در شرایط کنونی که کشورهای امپریالیستی بویژه امریکا و روسیه و سوسیال امپریالیزم چین در تضاد و تبانی، بحران جهانی را دامن می‌زنند و برای سرکوب خلق‌های جهان و جلوگیری از خیزش‌های مردمی و انقلابی از هیچ‌گونه ددمنشی خونخوار مآبانه دست بردار نیستند؛ از اهمیت خاص برخوردار است و ما این برگزاری باشکوه را به شما رفقا تبریک و تهنیت عرض می‌داریم.

در شرایط کنونی که امپریالیزم امریکا با صیهونیست‌های ددمنش و خون آشام، یکجا نوار غزه را در فلسطین برای باشندگان آن به جهنم تبدیل نموده‌اند و از سوی دیگر در تبانی و تضاد ذات البینی امپریالیستی می‌خواهند جنگ و بحران در اوکراین و خاورمیانه را وسعت دهند، تنها رنجبران و زحمت‌کشان جهان تحت رهبری پرولتاریا است که می‌توانند با مبارزات مسلحانه انقلابی از گسترش جنگ غیرعادلانه که امپریالیست‌ها به راه انداخته جلوگیری نموده و خلق‌های جهان را از قید استعمار و استثمار رها سازند.

پنجاه و دومین سالگرد جانباختن رفیق «ابراهیم کایپاکایا» در حالی تجلیل می‌گردد که بحران و آشوب اروپای شرقی، اروپای جنوب شرقی، منطقه قفقاز، خاورمیانه، آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و آسیای شرقی را در برگرفته

کنفرانس مائوئیستی بین المللی بیشتر از قبل مبارزه و تلاش نمایند.

هرچند زندگی رفیق «ابراهیم کایپاکایا» کوتاه بود و در عمر ۲۴ سالگی در زندان ارتجاعی رژیم فاشیست ترکیه با تحمل بیش از حد فشار و شکنجه به تاریخ ۱۸ می ۱۹۷۳ جان خود را از دست داد، اما خدمات او را می توان بخشی از مبارزه در سطح جهانی دانست. مبارزه ای که در سال های ۱۹۶۰ بین مارکسیزم انقلابی و رویزیونیسم ضد انقلابی جریان داشت. مبارزه ای که عمدتاً با الهام گیری از انقلاب کبیر فرهنگی در چین که تحت رهبری صدر مائوتسه دون آغاز گردیده بود. مبارزه ای سرسختانه که بر علیه تمامی مواضع ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی رویزیونیست های رنگارنگ به پیش برده می شد. مبارزه ای که خط فاصل به معنی گسست از احزاب رویزیونیست قدیمی که دیگر حتی به انقلاب تظاهر هم نمی کردند و ایجاد احزاب انقلابی نوینی بود.

در ترکیه، رفیق «ابراهیم کایپاکایا» رهبری این روند را با تمام کمال به عهده گرفت و نقد جانانه علیه رویزیونیسم در تمامی جبهه ها برپا نمود و با برپایی جنگ توده ای طولانی واقعی در ترکیه به دفاع از خط مائوتسه دون پرداخت و به سرعت به اهمیت جهانی و تاریخی انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریا در چین و تکامل خلافتان مارکسیزم - لنینیسم توسط صدر مائوتسه دون پی برد.

به این دلیل است که رفیق «ابراهیم کایپاکایا» چه در زندگی و چه در مرگ همواره مورد حمله دشمنان رنگارنگ قرار گرفته است.

تشکیل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (ریم) در سال ۱۹۸۴ که بطور سریع و چشم گیر در میان نیروهای مارکسیست-لنینیست - اندیشه مائوتسه دون [اکنون مائوئیسم] و کسانی که به دنبال تغییرات انقلابی جهانی بودند، محبوبیت ویژه پیدا نمود. جنبشی که با اصل گسترش مبارزه انقلاب کمونیستی به صورت بین المللی و ایجاد یک جبهه متحد برای مقابله با امپریالیسم و ستم طبقاتی طرح و با ارائه دو سند کنفرانس ۲۶ دسامبر ۱۹۹۳ تحت عنوان «زنده باد مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم» و همچنان سند «درباره اوضاع جهانی» توانست به یک مرکز بین المللی کمونیستی تبدیل گردد و حزب کمونیست ترکیه مارکسیست-لنینیست (TKP/ML)

به عنوان یکی از امضاء کنندگان بیانیه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در آن دیده می شود.

متأسفانه دیری نپائید که این مرکز ثقل جنبش های مائوئیستی جهان فروپاشید و از سالیان زیادی است که به سمت رکود سوق داده شده، به پیش رفته و روز به روز عمق بیشتری یافته است. از زمان ضربه خوردن حزب کمونیست (م. ل. م) پیرو تا ایرانی سازی پسا مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم امریکایی رفقای ایران، با چه فراز و نشیب و انحرافات همراه نبوده ایم؟ دستگیری گونزالو صدر حزب کمونیست (م. ل. م) پیرو، فروکش کردن جنگ خلق (راه درخشان) در پیرو، انحراف حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) و ترک مبارزه مسلحانه در آن کشور، طرح سنتزهای نوین باب آواکیان صدر حزب کمونیست انقلابی امریکا و ارائه سند مانیفست و اساسنامه جدید آن حزب، دنباله روی حزب کمونیست ایران (م. ل. م) از RCP، تعویق نشریه جهانی برای فتح، نادیده گرفتن موجودیت جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و کمیته RIM از طرف حزب کمونیست انقلابی امریکا و نهایتاً حذف مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم و طرح استراتژی جبهه ائی با عدم تکیه استوار و روشن روی قیام مسلحانه سرتاسری از طرف RCP، ارزش گزاری های لافزانه سنتزهای نوین باب آواکیان، تقسیم غلط کل جنبش به دو مرحله گذشته و در حال ایجاد، نادیده گرفتن کامل «جا» و حذف ضرورت مبارزه برای تشکیل انترناسیونال کمونیستی و غیره مسائل عمیق تر و روشن تر از غلطی های نیپال و پیرو می باشد که RCP بدان توسل جست و این ها در ذات خود از آن جمله مسائلی است که نمی توان بدان توجه نکرد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان معتقد است که برای پاسداری از خون رفقای جانباخته ضرورت به یک کارزار مبارزاتی مشترک گسترده و منظم در سطح بین المللی است. ما زمانی موفق به چنین کاری خواهیم شد که از یک مرکز بین المللی مائوئیستی برخوردار گردیم.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ماه می ۲۰۱۶ میلادی در شماره هشتم شعله جاوید، دور چهارم خویش تحت عنوان «مبارزه برای ایجاد اصولی یک مرکز بین المللی مائوئیستی از طریق تشکیل یک کنفرانس مائوئیستی بین المللی» خاطر نشان ساخته بود که :

« تشدید مبارزه بخاطر تشکیل کنفرانس بین المللی متحدۀ احزاب و سازمان های مائوئیست کشورهای مختلف جهان، تدوین و تصویب یک بیانیه و آئین نامه تشکیلاتی جدید بین المللی بجای بیانیه و آئین نامه تشکیلاتی قبلی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و ایجاد یک مرکز اولیۀ مائوئیستی بین المللی بجای کمیته قبلی «جا»، برای جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی بین المللی بیش تر از پیش به یک ضرورت عاجل و فوری مبارزاتی بین المللی بدل شده است.»

با در نظر داشت شرایط کنونی و تبانی و تضاد ذات البینی امپریالیستی در سطح جهان بار دیگر تاکید می ورزیم که ایجاد تشکیلات بین المللی رهبری کننده و هم آهنگ کننده احزاب و سازمان های مائوئیست کشورهای مختلف جهان یک ضرورت عاجل و فوری است. و هر چه بیش تر از قبل باید دوباره این سلسله مباحثات از سر گرفته شود تا هر چه سریع تر به پراکندگی جنبش بین المللی کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) خاتمه بخشیم. زیرا ما نیازمند آنیم تا احزاب مائوئیست جدیدی در کشورهای مختلف جهان تشکیل گردند و به همین ترتیب جنگ خلق در کشورهای که تا هنوز به راه نیفتاده، به راه افتند و به طور روز افزونی تحکیم و گسترش یابند.

ما باید در مبارزه علیه امپریالیزم و ارتجاع و هم چنان رویزیونیسم و اپورتونیزم و به خصوص رویزیونیسم «سنتزهای نوین» آواکیان صدای تبلیغی و ترویجی بین المللی واحد و مؤثری داشته باشیم.

ما باید در مورد مسایل اختلاف میان بخش های مختلف جنبش مائوئیستی بین المللی بحث های اصولی، سازنده و نتیجه بخش را بصورت منظم و پیگیر پیش ببریم.

برای این که بتوانیم به صورت اصولی، درست و مؤثر برای رفع این نیازها دسترسی پیدا نمائیم، باید هرچه سریع تر و عاجل تر مرکز بین المللی مائوئیستی از طریق تشکیل یک کنفرانس مائوئیستی بین المللی بخاطر خاتمه بخشیدن به پراکندگی کنونی جنبش ایجاد نمائیم.

بناءً بر همه ما لازم است که مبارزه برای دستیابی به یک مرکز اولیه مائوئیستی به منظور پاسداری از خون رفقای جانباخته و تدوین و تصویب یک بیانیه و آئین نامه تشکیلاتی جدید بین المللی هرچه جدی تر از قبل مبارزه نمائیم و این مبارزه را هر چه جدی تر به پیش ببریم.

ما یقین کامل داریم جانبازی های رفیق «ابراهیم کاپاکایا» و سایر جان باختگان جنبش مائوئیستی ترکیه انقلاب پرولتری ترکیه را به ثمر خواهد رساند!

گرامی باد یاد و خاطره ابراهیم کاپاکایا و بقیه رفقای جانباخته جنبش مائوئیستی ترکیه!

به پیش در مسیری که با خون هزاران جان باختۀ جنبش مائوئیستی در جهان گلگون گردیده است!

کمیته مرکزی حزب کمونیست

(مائوئیست) افغانستان

29 - اپریل - ۲۰۲۵ میلادی

www.cmpa.io

sholajawid@cmpa.io

sholajawid2@cmpa.io



متن دعوتنامه حزب کمونیست (مارکسیست - لنینست) ترکیه به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان :-

رفقای گرامی،

به مناسبت پنجاه و دومین سال گرد جانباختن رهبر کمونیست، ابراهیم کایپاکایا، یک برنامه‌ی مشترک در تاریخ ۱۰ می ۲۰۲۵ در لودویگسهافن، آلمان توسط حزب ما (حزب کمونیست ترکیه م ل TKP-ML) و حزب کمونیست مائوئیست (MKP) برگزار خواهد شد.

ما مفتخریم که از شما برای شرکت در این برنامه که به صورت مرکزی در اروپا سازماندهی شده است، دعوت کنیم و شما را به حضور گرم در این مراسم تشویق نماییم. همچنین، شما می‌توانید در این مراسم یک غرفه‌ی اطلاع‌رسانی برپا کنید.

علاوه بر این، از شما درخواست می‌کنیم که پیامی برای این مراسم ارسال نمایید. چنین مشارکت‌هایی تأثیر زیادی بر توده‌های شرکت‌کننده خواهد داشت. در صورت امکان، لطفاً پیام خود را در قالب [کلیپ]

ویدئویی، با مدت زمانی حداکثر ۳ دقیقه تهیه کرده و تا تاریخ ۳۰ اپریل ارسال کنید. اگر تهیه‌ی ویدئو ممکن نیست، پیام کتبی نیز پذیرفته می‌شود.

تمام پیام‌ها و ویدئوهای ارسالی به ترکی ترجمه شده و در طول مراسم با توده‌ها به اشتراک گذاشته خواهد شد.

با درودهای انقلابی،

دفتر روابط بین‌المللی

حزب کمونیست ترکیه م. ل.

28 مارچ 2025 م.

+++++

پاورقی:

حزب کمونیست مائوئیست ترکیه : (به ترکی: Maoist Komünist Partisi, MKP)

این حزب سازمان اصلی مائوئیست در ترکیه است و خود را میراث‌دار ابراهیم کایپاکایا می‌داند. حزب کمونیست مائوئیست دو شاخه مسلح دارد؛ یکی نیروهای پارتیزان خلق (به ترکی: Partizan Halk Güçleri, PHG) و دیگری ارتش آزادی‌بخش خلق (به ترکی: Halk Kurtuluş Ordusu, HKO). حزب کمونیست مائوئیست در گذشته عضو جنبش انقلابی انترناسیونالیستی بود، اما هم‌اکنون در گردهمایی احزاب کمونیست و کارگری بالکان عضویت دارد. حزب کمونیست مائوئیست همچنین عضوی از جنبش انقلاب متحدانه خلق‌ها محسوب می‌شود.

حزب کمونیست ترکیه م ل : (به ترکی: Türkiye Komünist Partisi/Marksist-Leninist in Turkish, TKP/ML)

حزب کمونیست ترکیه/مارکسیست - لنینست (به ترکی: Türkiye Komünist Partisi/Marksist-Leninist in Turkish, TKP/ML) یک حزب سیاسی کمونیست مائوئیستی در ترکیه است که بر اساس استراتژی نظامی مائوئیستی جنگ خلق علیه حکومت ترکیه به مبارزه مسلحانه می‌پردازد.

فراخوان کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند

برای هفته جدید اقدام مشترک بین المللی و انترناسیونالیستی از تاریخ ۷ اپریل الی ۱۲ اپریل ۲۰۲۵ میلادی

هفته جدید اقدام مشترک بین المللی و انترناسیونالیستی از ۷ تا ۱۲ اپریل، در راستای یک کمپاین یک ساله برای حمایت از جنگ خلق در هند و حزب کمونیست هند (مائوئیست)!



کمپاین جهانی علیه عملیات «کاگار» که از طرف امپریالیست‌ها و دولت مودی همچنان ادامه دارد، در نظر گرفته شده است که تلاش دولت فاشیستی مودی و امپریالیست‌های حامی شان، برای نابودی جنبش‌های دموکراتیک، مردمی و انقلابی هند طراحی گردیده و فعالیت شان را به چالش کشیده است. این عملیات علیه جنگ خلق که تحت رهبری حزب کمونیست هند (مائوئیست) در جریان است، طراحی شده؛ جنگی که گزینه واقعی سیاسی برای پرولتاریا و مردم هند محسوب می‌شود.

تمامی کمپاین‌های رژیم فاشیستی مودی، از «شکار سبز» (Green Hunt) تاکنون، نتوانسته‌اند اهداف مورد نظر رژیم را محقق کنند. اکنون مودی ادعا می‌کند که تا مارچ ۲۰۲۶ جنگ خلق، جنبش انقلابی و حزب کمونیست هند (مائوئیست) را به‌طور کامل نابود خواهد کرد.

کمیته بین‌المللی حمایت از جنگ خلق در هند (ICSPWI) از تمامی احزاب و سازمان‌های کمونیست مارکسیست-لنینیست-مائوئیست، احزاب انقلابی و نیروهای ضدامپریالیستی می‌خواهد که چالش مطرح‌شده توسط دولت مودی را با یک کمپاین یک ساله از اپریل ۲۰۲۵ تا مارچ ۲۰۲۶ پاسخ دهند.

این یک سال بسیج و حمایت از انقلاب هند است که با یک هفته اقدام مشترک بین‌المللی و انترناسیونالیستی از ۷ تا ۱۲ اپریل امسال آغاز خواهد شد.

حزب کمونیست هند (مائوئیست) و توده‌های مردمی با قاطعیت و قهرمانی در برابر کمپاین «کاگار» مقاومت کرده و آن را رد نموده‌اند.

در تمامی بخش‌های اقتصادی، رژیم مودی بحران ناشی از امپریالیسم، عوامل آن و سیاست‌هایی که در خدمت سرمایه‌داران بزرگ هندی مانند «آدانی» و «آمبانی» و زمین‌داران است، بر دوش توده‌های مردم گذاشته است. مودی اولین رهبر دولتی در جهان بود که برای دیدار و

ادای احترام به رئیس جمهور جدید امپریالیسم آمریکا، دونالد ترامپ، اقدام کرد. آن‌ها در ۱۲ فبروری دیداری داشتند تا اهمیت روابط خود را در چارچوب اتحادهای سیستم امپریالیستی جهانی، به‌ویژه در بخش‌های انرژی و دفاعی، تأیید کنند.

در بخش انرژی، ترامپ از هند خواست که به مشتری اصلی بخش نفتی آمریکا تبدیل شود، که در گذشته نیز با حمله روسیه به اوکراین تضعیف شده بود. مودی متعهد شد که حجم تجارت دو کشور در این بخش را طی پنج سال از ۱۵ میلیارد دلار به ۲۵ میلیارد دلار برساند.

در بخش دفاعی، هند بزرگ‌ترین واردکننده سلاح در جهان است که نه تنها از روسیه بلکه از کشورهای مختلف خرید می‌کند. در این دیدار، مودی راه را برای خریدهای بیشتر از آمریکا باز کرد و ترامپ پیشنهاد فروش جنگنده‌های اف-۲۱ به هند را مطرح کرد. همچنین، در راستای کنترل استراتژیک مسیرهای تجاری، تصمیم گرفته شد که پروژه «کریدور هند - خاورمیانه - اروپا»

(IMEC) که شامل خطوط حمل و نقل کالا، انرژی و ارتباطات (مانند فیبر نوری و اینترنت) از هند به اروپا از طریق خاورمیانه است، احیا شود. این پروژه قبلاً وجود داشت اما حمله مقاومت فلسطین و تناقضات میان اسرائیل و کشورهای عربی آن را متوقف کرده بود. با این دیدار، ترامپ و مودی تصمیم به احیای آن گرفتند.

این دیدار بین ترامپ و مودی، پیوند ناگسستنی میان امپریالیسم آمریکا، خدمت گزاران آن و رژیم هند را به روشنی نشان می دهد. رژیم هند یکی از حامیان اصلی نتانیاها و کارزار نسل کشی او در فلسطین است. به همین دلیل، کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند، خواستار همبستگی بین المللی با مقاومت مردم فلسطین و کمپاین جهانی علیه رژیم مودی و امپریالیسم در طول هفته اقدام مشترک است.

فراخوان کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند، برای تشدید بسیج علیه عملیات کاکار

این عملیات شامل قتل عام ها، تبعیدهای اجباری، قتل روستاییان، رهبران توده های قبیله ای، فعالان اجتماعی و رهبران انقلابی، و همچنین سرکوب روزنامه نگاران و فعالان حقوق بشر است که با آن مخالفت می کنند.

کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند، قویاً از درخواست رفقای هندی برای حمایت از مردم «معاد» که با قاطعیت در برابر تصمیم دولت برای استفاده از زمین ها و جنگل های آن ها برای مانورهای نظامی مقاومت می کنند، حمایت می کند. این بخشی از افزایش مشارکت ارتش در جنگ نسل کشی علیه مردم تحت عنوان «عملیات کاکار» است.

حمایت از جنگ خلق در هند و حزب کمونیست هند (مائوئیست) یکی از وظایف اساسی جنبش های کمونیستی، انقلابی، ضدفاشیستی و ضدامپریالیستی جهان است.

حزب کمونیست هند (مائوئیست) جنگ خلق را برای انجام انقلاب دموکراتیک نوین، آزادی کشور و توده های کارگر از استثمار و سرکوب، و در اتحاد با پرولتاریا و توده های مردمی در سراسر جهان، تا انقلاب پرولتری و سوسیالیستی جهانی رهبری می کند.

به همین دلیل، بر عهده همه ماست که امپریالیسم، رژیم مودی و دست های نسل کش آن ها را متوقف کنیم؛ بخشی از مبارزه جهانی علیه امپریالیسم که به جنگ، فاشیسم، فقر و سرکوب ملت ها منجر می شود.

کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند، از همه می خواهد که در هفته اقدام مشترک بین المللی از ۷ تا ۱۲ اپریل با توجه به شرایط خاص خود، ابتکارات و اشکال مبارزاتی مختلف را سازماندهی کنند.

کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند، خواستار موارد زیر است:

- تعیین روز بسیج گسترده کارگران در کارخانه ها و محیط های کاری
- برگزاری تظاهرات عمومی در برابر سفارت ها و کنسولگری ها
- نشست های حمایتی از حزب کمونیست هند (مائوئیست) و مطالعه اسناد آن، به مناسبت بیستمین سالگرد تأسیس این حزب

عملیات کاکار را متوقف کنید !

به پیش علیه سرکوب رژیم و آزادی همه زندانیان سیاسی در هند!

به پیش برای مبارزه علیه جنگ امپریالیستی و در همبستگی با مردم فلسطین!

همبستگی و همراهی کامل با جنگ خلق و حزب کمونیست هند (مائوئیست) تا روز پیروزی !

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند

۱۰ مارچ ۲۰۲۵ میلادی

<https://icspwindia.site/>
csgpindia@gmail.com

هفته اقدام [مشترک] بین المللی
7 - اپریل الی 12 اپریل 2025

مبارزه علیه جنگ امپریالیستی
و همبستگی با مردمان فلسطین !



از طریق جنگ خلق و حزب کمونیست هند (مائوئیست)
تا سرحد پیروزی !

زنده باد
انترناسیونالیزم
پرولتری !



کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند - (ICSPWI)

<https://cmpa.io>

اپریل 2025

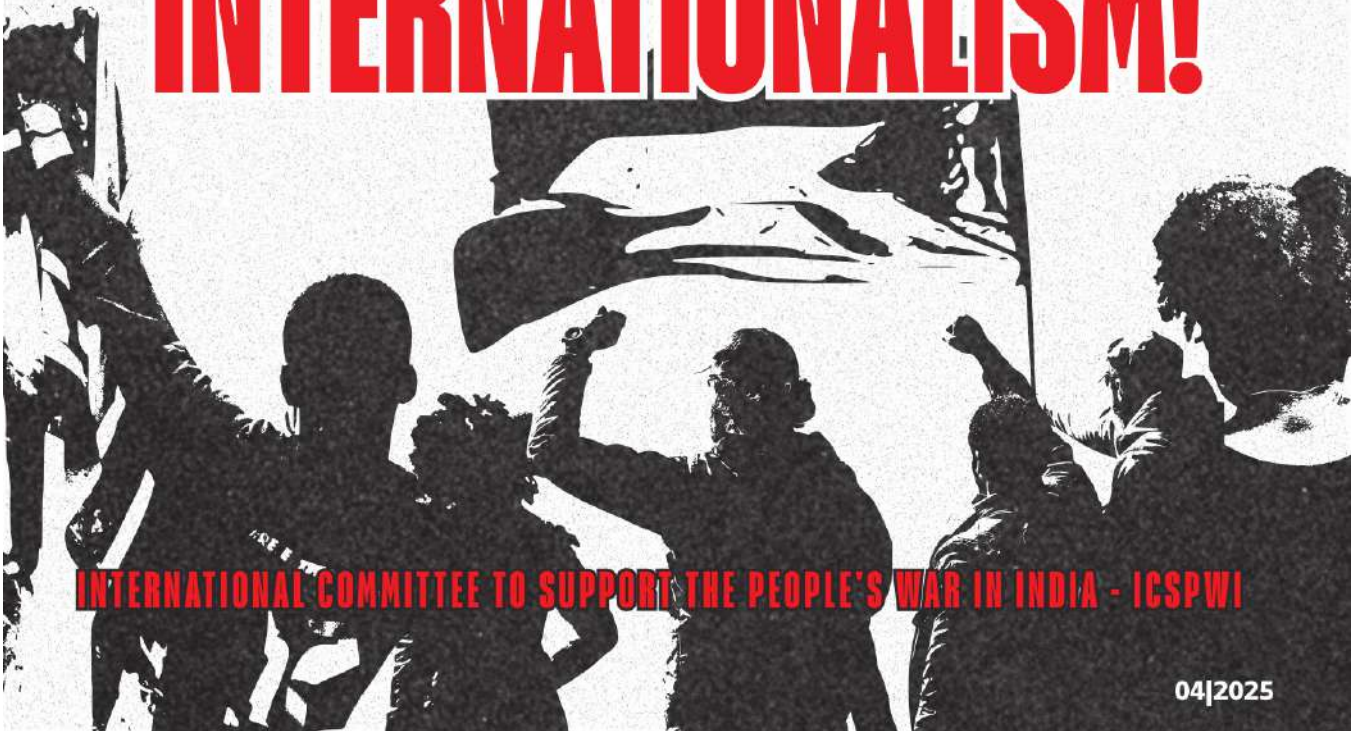
**INTERNATIONAL WEEK OF ACTION
APRIL 7-12**

**FIGHT AGAINST THE IMPERIALIST WAR AND IN
SOLIDARITY WITH THE PALESTINIAN PEOPLE!**



**WITH THE PEOPLE'S WAR AND THE PCI (Maoist) UNTIL VICTORY!
STOP OPERATION KAGAAR!**

**LONG LIVE
PROLETARIAN
INTERNATIONALISM!**



INTERNATIONAL COMMITTEE TO SUPPORT THE PEOPLE'S WAR IN INDIA - ICSPWI

04|2025

موفقیت فوق العاده کارزار بین المللی

حمایت از جنگ خلق در هند و حزب کمونیست هند (مائوئیست)

از ۷ تا ۱۲ اپریل ۲۰۲۵ !

پیش به سوی ادامه کارزار که تا مارچ ۲۰۲۶ تمدید شده است !

بایگانی، بیانیه ها و اعلامیه ها، اسناد کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق هند، کارزارهای بین المللی، اخبار، انترناسیونالیزم انقلابی

در برزیل:

این کارزار به صورت مشترک توسط «جنبش انقلابی نوین دانشجویان خلق»، «جنبش انقلابی زنان» و خبرنامه «انقلاب فرهنگی» برگزار شد و بسیار گسترده بود. تجمع های عمومی با حضور دانشجویان، کارگران و دهقانان برگزار شد که در آن عملیات نسل کشی «کاگار» توسط رژیم مودی افشا شد و همزمان حمایت از جنگ خلق در هند به رهبری حزب کمونیست هند (مائوئیست) و مقاومت فلسطین در برابر جنگ نسل کشانه رژیم صهیونیستی اعلام شد.

در طول هفته، دیوارنویسی و نقاشی های دیواری حمایتی انجام شد و پوسترهایی در دانشگاه ها نصب گردید.

«جنبش انقلابی زنان» اعلام کرد که قصد دارد سند حزب کمونیست هند (مائوئیست) را درباره ماهیت امپریالیستی-اجتماعی چین، با هدف مبارزه علیه رویزیونیسم معاصر شی جین پینگ منتشر کند. در نهایت، این جنبش با تأکید بر اهمیت وحدت انترناسیونالیستی کمونیست ها پیرامون اصول اساسی مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم، به طور رسمی درخواست عضویت در کمیته را ارائه کرد.

در بنگلادیش:

در ۱۲ اپریل، دو رویداد در داکا برگزار شد:

یک نشست به ریاست «انجمن یادبود جانبختگان

کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند (ICSPWI) اطلاع می دهد که گزارش منتشر شده همچنان در حال تکمیل است، چرا که خبرها و نظرات جدیدی از کمیته ها و سازمان های شرکت کننده در هفته بین المللی ۷ تا ۱۲ اپریل دریافت می شود. کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق هند از همه جنبش های همبستگی دعوت می کند که به فعالیت خود ادامه دهند.

کارزار بین المللی که توسط این کمیته آغاز شده، شعارهایی را مطرح کرد از جمله:

- توقف عملیات «کاگار»!
- علیه سرکوب رژیم و برای آزادی همه زندانیان سیاسی در هند!
- مبارزه علیه جنگ های امپریالیستی و همبستگی با مردم فلسطین!
- با جنگ خلق و حزب کمونیست هند (مائوئیست) تا سرحد پیروزی!
- زنده باد انترناسیونالیزم پرولتری!

این کارزار بین المللی در ۱۳ کشور و در تمامی قاره ها گسترش یافت و مورد حمایت ۲۲ حزب و سازمان کمونیست، انقلابی و به ویژه مارکسیست-لنینیست-مائوئیست ها، و همچنین سازمان های توده ای کارگران، دانشجویان، زنان و دهقانان قرار گرفت.

اپیزود ۱۸۳ پادکست یوتیوبی «وانگاردیا اوبرا» نیز به این کارزار اختصاص یافت.

در تونس:

در جریان تظاهرات دانشجویی در حمایت از مقاومت فلسطین، برخی از دانشجویان UGET حمایت خود را از جنگ خلق در هند اعلام کرده و پیوند میان ایدئولوژی‌های صهیونیستی و هندوتوا را محکوم نمودند.

در ایالات متحده:

در پورتلند (اورگن)، تجمعی اعتراضی مقابل کنسولگری هند برگزار شد که توسط «گروه مطالعات انقلابی پورتلند» سازماندهی شده بود

در استرالیا:

کنسولگری هند در ملبورن با دیوارنویسی‌هایی در حمایت از حزب کمونیست هند (مائوئیست) و علیه عملیات کاکار، هدف قرار گرفت.

در فرانسه:

در پاریس، «کمیته آزادی ژرژ ابراهیم عبدالله» توزیع گسترده‌ای از پوسترهای حمایتی انجام داد. سازمان «وحدت کمونیستی» کارزار را در وبسایت‌ها تبلیغ کرد و جلسات آموزشی درباره جنگ خلق و حزب کمونیست هند (مائوئیست) برگزار نمود. مجله آنالین «سوپرنوا» نیز فراخوان کارزار را ترجمه و منتشر نمود.

در گالیسیه (ایالت هسپانیه):

در شهر «لاکرونیا» در یک نشست مبارزاتی در مرکز اجتماعی «گومس گایوسو»، همبستگی با حزب کمونیست هند (مائوئیست) و جنگ خلق ابراز شد و عملیات نسل‌کشی کاکار محکوم گردید. وبلاگ «دازیبائو روخو» نیز تصاویر اقدامات تبلیغاتی این کارزار را منتشر کرد.

انقلابی و میهن‌دوست»، که در آن سازمان‌های دموکراتیک، پیشرو و انقلابی وضعیت هند و تقابل انقلاب و ضدانقلاب را بررسی کرده و تروریزم دولتی هند را از طریق کارزارهای مختلف (مانند «سالوا جودوم»، «شکار سبز»، تا عملیات فعلی کاکار) محکوم کردند.

همچنین تظاهرات ضد امپریالیستی چشمگیری توسط «جنبش انقلابی دانشجویان و جوانان» برگزار شد که امپریالیسم آمریکا، نسل‌کشی صهیونیستی در فلسطین و رژیم مودی را محکوم کرد. در این تظاهرات، تصاویر ترامپ، مودی، نتانیا‌هو، شی جین‌پینگ و پوتین به آتش کشیده شد.

همبستگی نه تنها با مبارزات آزادی‌بخش فلسطین و جنگ خلق در هند، بلکه با مبارزات ملی در بلوچستان و میانمار نیز اعلام شد

در ایتالیا:

این کارزار در سه شهر توسط حزب کمونیست مائوئیست ایتالیا و سازمان‌های توده‌ای وابسته همچون «اسلای کوباس برای اتحادیه طبقاتی» و «جنبش فمینیستی پرولتری انقلابی» برگزار گردید.

در شمال، در میلان، با حضور ۱۵۰۰۰ نفر در تظاهرات حمایت از فلسطین، بنرها و پیام‌هایی از حمایت از جنگ خلق در هند و فلسطین ارائه شد.

در جنوب، در تارانتو، در تجمعی با پلاکاردها و سخنرانی، بر نیاز به حمایت همزمان از مقاومت فلسطین و جنگ خلق در هند در برابر نسل‌کشی در غزه و منطقه باستر تأکید شد.

در پالرمو، یک مجمع پرولتری با حضور کارگران و زنان برگزار گردید.

در کلمبیا:

در شهرهای مدلین، مانیزالس، کالی و بوگوتا، به مناسبت ۹ اپریل (روز ملی یادبود قربانیان درگیری مسلحانه در کلمبیا)، اتحادیه کمونیست‌های کارگری (م ل م) با پیوستن به کارزار بین‌المللی، پوسترهای حمایتی را در سطح وسیع منتشر کردند و عملیات کاکار و نسل‌کشی در فلسطین را محکوم نمودند.

در فدراسیون روسیه:

پوسترهای حمایتی پخش شد و اقداماتی تبلیغاتی صورت گرفت.

در ترکیه و افغانستان:

بیانیه‌ها، پوسترها و میزهای تبلیغاتی در حمایت از جنگ خلق و حزب کمونیست هند (مائوئیست) و محکومیت رژیم مودی از سوی حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست ترکیه (MLKP) و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برگزار شد.

در آلمان:

در آلمان، فعالان سازمان‌های «مبارزه جوان»، «اتحاد سرخ»، «ساختمان کمونیستی» و «جوانان بین‌المللی» یک هفته اقدام حمایتی در شهرهای برلین، هامبورگ، کلن، لایپزیگ و دویسبورگ برگزار کردند.

تاریخ ۷ تا ۱۲ اپریل (یک هفته) تنها آغاز یک کارزار بسیج بلندمدت بود که تا مارچ ۲۰۲۶ ادامه خواهد یافت؛ ماهی که بورژوازی بوروکرات و کمپرادور هند آرزوی پایان دادن به کابوس خود - جنگ خلق و حزب انقلابی رهبری‌کننده آن یعنی حزب کمونیست هند (مائوئیست) - را در سر می‌پروراند.

در این میان، توده‌های مردم هند و دهقانان، از جمله قبایل آدیواسی در باستر و دانتوا در چاتیسگر، در برابر پروژه‌ای که از سوی رژیم ارتجاعی مودی که متحد اصلی امپریالیزم آمریکا در آسیای جنوبی و جهان است، قهرمانانه در برابر عملیات کاکار و روند واکنش‌گرایی هندوتوا ایستادگی می‌کنند.

بنابراین، بر همه افراد و نیروهای واقعاً دموکرات، پیشرو، انقلابی و کمونیست (به‌ویژه مارکسیست-لنینیست-مائوئیست‌ها) واجب است که از بزرگ‌ترین جنگ خلق در حال اجراء در پرجمعیت‌ترین کشور جهان حمایت کنند؛ جنگی که در آسیای جنوبی و حوزه هند و اقیانوس آرام و بصورت کل در منطقه‌ای جریان دارد که تضادهای ذات البینی امپریالیستی در آن روزبه‌روز حادث می‌شود.

کمیته بین‌المللی حمایت از جنگ خلق هند از تمامی نیروهایی که در هفته بین‌المللی اپریل مشارکت داشتند استقبال کرده، از آن‌ها دعوت می‌کند تا کمیته‌های حمایت محلی تشکیل دهند و این فعالیت‌ها را متناسب با شرایط هر کشور ادامه دهند و هم‌زمان در هماهنگی با کمیته حمایت از جنگ خلق هند، با حفظ استقلال کامل، برای مراحل آینده این کارزار ۱۰ ماهه آماده باشند. کمیته حمایت از جنگ خلق هند، همچنین از آن دسته نیروهایی که در گذشته در کارزارهای حمایت از جنگ خلق مشارکت داشتند دعوت می‌کند که دوباره وارد میدان شوند.

وضعیت کنونی در هند نیازمند حمایت واقعی، متحد و بدون محاسبات فرقه‌ای یا حفظ «قلعه‌های شخصی» است.

پیش به سوی کارزار بین‌المللی بلندمدت!**توقف عملیات کاکار!**

آزادی همه زندانیان سیاسی در هند!

مبارزه با جنگ‌های امپریالیستی و همبستگی با مردم فلسطین!

با جنگ خلق و حزب کمونیست هند (مائوئیست) تا پیروزی!

زنده باد انترناسیونالیزم پرولتری!

کمیته بین‌المللی حمایت از جنگ خلق هند

۲۸ اپریل ۲۰۲۵ م

مقاله ذیل، ارزیابی از تحولات اخیر ترکیه است که توسط رفقای حزب کمونیست ترکیه (مارکسیست - لنینیست) بعنوان سرمقاله روزنامه «آینده» به ایمل آدرس شعله جاوید به تاریخ ۲۶ مارچ ۲۰۲۵ میلادی، ارسال گردیده است، و نظر به مهم بودن اوضاع منطقه و جهان، ترجمه آن توسط کمیته روابط بین المللی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان انجام گردیده است.

«رهائی در صندوق‌های رای نیست، بلکه در جاده‌هاست» راه‌حل در انقلاب است!



«جاده‌ها و میدان‌ها در مدت کوتاهی از ده‌ها هزار نفر از جوانان، کارگران، دانشجویان، وکلا، بیکاران و زنان پر شد و توده‌های مردم خشم و واکنش خود را نسبت به شرایط زندگی، بی‌عدالتی‌ها، تجاوزات فاشیستی و ظلم‌های تحمیل شده نشان دادند.»

26 مارچ ۲۰۲۵

[توضیح: ارزیابی زیر در مورد تحولات ترکیه، برگرفته از سرمقاله روزنامه «آینده» (Özgür Gelecek) است که بر اساس خط مشی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی منتشر می‌شود. در جریان این اعتراضات حساب‌های کاربری این روزنامه در شبکه‌های اجتماعی مسدود شد و هزاران نفر - از جمله شمار زیادی از خوانندگان آن - بازداشت شدند. همچنین، صدها نفر از جمله گروه قابل توجهی از خوانندگان نشریه پارتیزان (Partizan)، در جریان اعتراضات دستگیر شدند. با توجه به تداوم ناآرامی‌ها، این ترجمه به صورت غیررسمی و صرفاً برای اطلاع‌رسانی ارائه شده است.]



حمله به بازداشت و دستگیری اکرم امام‌اوغلو، شهردار شهرداری استانبول (İBB)، و نزدیکان او، مبارزه قدرت بین جناح‌های طبقه حاکم ترکیه را تشدید کرده است.

لغو مدرک دانشگاهی ۳۵ ساله اکرم امام‌اوغلو، شهردار İBB، که انتظار می‌رود نامزد انتخابات ریاست جمهوری از طرف حزب اصلی اپوزیسیون بورژوازی یعنی حزب فاشیست CHP باشد، و سپس بازداشت او به اتهام «فساد» و «کمک به تروریسم»، آخرین حرکت در مبارزه قدرت میان جناح‌های طبقه حاکم ترکیه بود.



اگرچه بازداشت امام‌اوغلو در چارچوب تحقیقات مربوط به «فساد» و تصمیم به نظارت قضایی بر او در تحقیقات «تروریسم» به عنوان تلاشی برای جلوگیری از انتصاب سرپرست به İBB تفسیر شده است، اما در واقع باید این وقایع را به عنوان یک «معامله» برای آرام کردن خشم و واکنش توده‌های مردم در خیابان‌ها خواند. اختیار انتصاب سرپرست برای İBB کاملاً در دستان وزارت کشور است و قدرت فاشیست هر زمان که صلاح بداند، اختیار دارد سرپرست منصوب کند.



آنچه به طور مشخص رخ داده این است که رجب طیب اردوغان تلاش کرد بزرگ‌ترین رقیب خود، امام‌اوغلو را که چهار بار در انتخابات او را شکست داده بود، ابتدا با لغو مدرک دانشگاهی‌اش و سپس با بازداشت او به اتهام «فساد» از میدان به در کند. اینکه آیا اردوغان در این حرکت موفق خواهد شد یا نه، به مذاکرات بین جناح‌های طبقه حاکم و البته به مبارزه توده‌های مردم بستگی دارد. زیرا بازداشت امام‌اوغلو نشان می‌دهد که مبارزه بین جناح‌های طبقه حاکم وارد مرحله جدیدی شده است.

به یاد می‌آوریم که یک سال پیش، در انتخابات محلی ۳۱ مارچ ۲۰۲۴، حزب اصلی اپوزیسیون بورژوازی CHP، میزان آرای خود را در سراسر

نتیجه این وضعیت در مبارزه طبقاتی در ترکیه این است که:

«عدم توانایی در ایجاد یک حرکت مستقل و قوی مردمی تحت رهبری پرولتاریا منجر به استفاده از اپوزیسیون طبقه کارگر، مردم زحمتکش و عناصر دموکراتیک به عنوان اهرمی برای به قدرت رساندن گاهی یکی و گاهی دیگری از جناح‌های بورژوازی بزرگ خریدار و مالکین زمین شده است.» (ابراهیم کای پاکایا، نشر - نیشن)

از زمان تأسیس دولت ترکیه، طبقات حاکم ترکیه به دو اردوگاه اصلی تقسیم شده‌اند. این دو اردوگاه استفاده از دستگاه قدرت برای منافع حامیان خود را اولویت اصلی دانسته‌اند و هر وسیله و روش، از جمله سقوط سرمایه جناح رقیب، را برای خود مجاز شمرده‌اند. کسانی که زمانی در اپوزیسیون مدافع دموکراسی بودند، وقتی به قدرت رسیدند، به حامیان خود انگیزه دادند و مناقصه‌ها را به صورت موردی اعطا کردند. مشخص است که در دوران حکومت AKP-MHP، «دوستان» یا همان «باند پنج نفره» که در واقع بیشتر از پنج نفر هستند، رونق یافته‌اند.

از سوی دیگر، این دو اردوگاه یک واحد کل ثابت و یکپارچه نیستند. برخی اطلاعات فاش شده در عملیات بازداشت امام‌اوغلو به این واقعیت اشاره دارد. میان دو اردوگاه بورژوازی، یک نظم کامل غارت و چپاول با «اجاره استانبول» در مرکز آن برقرار شده است و مناقصه‌هایی به ارزش میلیاردی لیر به یکدیگر داده شده است. از این رو، نباید نادیده گرفت که مسئله برای قدرت AKP-MHP از یک سو تصفیه امام‌اوغلو و از سوی دیگر تقسیم «اجاره استانبول» است.

بنابراین، دولت ترکیه تحت حاکمیت حزب عدالت و توسعه (AKP) و رجب طیب اردوغان نه به دیکتاتوری فاشیستی تبدیل شده است و نه حتی به یک نوع جدید از دیکتاتوری اقتدارگر، همانطور که برخی از لیبرال‌ها می‌خواهند آن را نام‌گذاری کنند! آنچه که اتفاق افتاده این است که در بیست سالی که حزب عدالت و توسعه در قدرت بوده، این حزب به تدریج قدرت دولتی را به دست گرفته است، فاشیسم کمالیستی را با فاشیسم اسلامی جایگزین کرده و توانسته است از حامیان خود پشتیبانی کند. در مرحله کنونی، ظهور امام‌اوغلو به عنوان یک «رقیب جدی» برای اولین بار در برابر جناحی که حزب عدالت و توسعه نمایندگی آن را دارد، باعث شده که قدرت AKP-MHP برای حفظ منافع جناح خود اقداماتی را اتخاذ کند.

امروز، بازداشت امام‌اوغلو در مبارزه قدرت بین جناح‌های طبقه حاکم تعجب‌آور نیست. آنچه که تعجب‌آور است این است که حزب جمهوری‌خواه مردم (CHP)، که پس از انتخابات محلی ۳۱ مارچ به عنوان نخستین حزب درآمد، تحت رهبری اوزگور اوزل، روندی تحت عنوان «نورمال‌سازی» با دولت فاشیستی AKP-MHP انجام داد و حتی یک کمپاین سیاسی مانند «نشان دادن کارت سرخ» به دولت راه انداخت که از نظر واقعیت‌های ترکیه بسیار خنده‌دار است.

اگرچه دلایل «قابل درک» برای اقدامات CHP وجود دارد، مانند نمایندگی جناح اپوزیسیون طبقات حاکم و علاوه بر این، بودن به عنوان حزب بنیان‌گذار نظم موجود، این اقدامات با انگیزه نمایندگی منافع نظم مستقر انجام می‌شود؛ با توجه به شدت تضادها میان جناح‌های طبقه حاکم در شرایط کنونی ترکیه و همچنین وضعیت دولت AKP-MHP، این اپوزیسیون CHP هیچ معنایی بیشتر از «اپوزیسیون عالی‌جناب» ندارد. همچنین در عمل مشخص شده است که این اپوزیسیون هیچ تأثیری ندارد.

در حقیقت، CHP، در خطی که تا حمله اخیر بازداشت و دستگیری پیش رفته و علاوه بر این، احتمال انتصاب سرپرستان به CHP، به اپوزیسیون بورژوازی حق خود را داده و مخالفت اساسی با حملات دولت AKP-MHP علیه طبقه کارگر و مردم زحمتکش نداشته است.

ترکیه به بیش از ۳۷ درصد افزایش داد و با اکثریت قاطع در ۱۴ شهر بزرگ، از جمله استانبول، آنکارا و ازمیر که بخش قابل توجهی از جمعیت ترکیه در آن زندگی می‌کنند، پیروز شد.

حزب عدالت و توسعه (AKP) که سال‌ها در قدرت بود، با ۳۵ درصد آرا به حزب دوم تبدیل شد. برای قدرت فاشیستی AKP-MHP، به‌ویژه رجب طیب اردوغان، روشن بود که فرصت‌های قدرت بورژوازی به عنوان تهدیدی جدی برای منافع جناحی که او نمایندگی می‌کند، تلقی می‌شود. در واقع، خود اردوغان گفته بود: «اگر استانبول را از دست بدهیم، ترکیه را از دست خواهیم داد.»

بنابراین، پس از انتخابات محلی ۳۱ مارچ، هدف‌گیری کامل قدرت فاشیستی AKP-MHP بر حزب CHP به عنوان نماینده جناح رقیب طبقه حاکم بورژوازی و شخصیت برجسته این اپوزیسیون، یعنی امام‌اوغلو، هدفی کاملاً سیاسی و واضح بود. در واقع، پس از انتخابات محلی، مشخص بود که دولت AKP-MHP، به‌گفته اردوغان، با استفاده از تمامی ابزارهای قدرت دولتی، به‌ویژه دستگاه قضایی، در حال آماده‌سازی برای حذف امام‌اوغلو بود.

همچنین روشن است که قانون در ترکیه حتی در معنای بورژوازی آن، هیچ معادل واقعی ندارد و «چیزی» که به عنوان «قوه قضائیه مستقل» خوانده می‌شود، در واقع به عنوان ابزاری برای سرکوب و ایجاد رعب و وحشت توسط طبقه حاکم علیه طبقه کارگر و مردم زحمتکش به کار می‌رود. در ترکیه، «قوه قضائیه مستقل» نه تنها بر علیه طبقه کارگر و مردم، بلکه به عنوان ابزاری کارآمد در مبارزه قدرت بین جناح‌های طبقه حاکم استفاده شده است. در واقع، یک واقعیت تاریخی وجود دارد که در دوران‌های تشدید مبارزه قدرت بین جناح‌های طبقه حاکم، حتی نخست‌وزیران نیز اعدام شده‌اند.

در این معنا، فاشیسم در شرایط ترکیه نه تنها یک شکل از حکومت است بلکه شکلی از حکومتی است که کل دستگاه دولتی را از بالا تا پایین تحت سلطه دارد. دولت ترکیه تحت حاکمیت حزب عدالت و توسعه (AKP) و رجب طیب اردوغان، مانند برخی ادعا می‌کنند، فاشیستی نشده است. این یک دیکتاتوری فاشیستی از روز نخست تأسیس آن بوده است.

به همین دلیل، واضح است که دیکتاتوری فاشیستی دستگاه قضایی را که ابزار مفیدی برای سرکوب است، نه تنها علیه طبقه کارگر و مردم زحمتکش، اپوزیسیون خارج از نظم، بلکه علیه اپوزیسیون داخل از نظم و حتی علیه جناح رقیب بورژوازی که برادران طبقه‌ای آنها هستند، هدایت کرده و خواهد کرد. این واقعیت که تضادها میان طبقات حاکم قابل حل است، این روش‌ها را در دعوای آنها رد نمی‌کند.

یک مبارزه قضائی میان جناح‌های بورژوازی!

تضادها بین جناح‌های طبقه حاکم در نهایت تضادهایی قابل حل هستند. حتی زمانی که دو جناح طبقه حاکم در رقابت شدید با یکدیگر هستند، ممکن است در حملات به مردم با یکدیگر مشترک باشند. مثال‌های بی‌شماری از این در عمل اجتماعی ترکیه وجود دارد. و دوباره، در عمل اجتماعی ترکیه، این کاملاً واضح است که جناح طبقه حاکم که زمانی در اپوزیسیون پیام‌آور «دموکراسی» بود، پس از به‌دست آوردن قدرت، تبدیل به دشمن شناخته‌شده مردم می‌شود. مشخص است که در مبارزه جناح اپوزیسیون برای تصاحب قدرت دولتی، واکنش‌های توده‌ها به نظم موجود و خواسته‌هایشان برای دموکراسی به عنوان ابزاری برای مبارزه جناح خود استفاده شده است.

جاده‌ها و میادین در مدت کوتاهی پر از ده‌ها هزار جوان، کارگر، دانشجو، زنان، وکلاء و بیکاران شد و مردم خشم و واکنش خود را علیه شرایط زندگی، بی‌عدالتی‌ها، حملات فاشیستی و ظلم‌هایی که بر آن‌ها تحمیل شده نشان دادند. از سوی دیگر، حزب جمهوری‌خواه مردم (CHP) تلاش کرد این خشم و واکنش مردم را در محدودیت‌های نظم موجود نگه دارد. آن‌ها ترجیح دادند به جای فشار آوردن به مناطق نمادین ممنوعه برای مردم، به‌ویژه میدان تقسیم، راهپیمایی برگزار کنند و مردم در هر فرصت این رفتار CHP را با شعارهای «ما برای عمل آمده‌ایم، نه برای راهپیمایی» محکوم کردند.

اگرچه این فرآیند یک مبارزه قدرت میان جناح‌های طبقه حاکم است، مردم بازداشت و دستگیری امام‌اوغلو را به مبارزه‌ای علیه رفتارهای ضددموکراتیک، فقر، غصب اراده و خودکامگی تحمیل‌شده بر خود تبدیل کرده‌اند. اپوزیسیون بورژوازی در هر جایی و هر زمانی که حرکت توده‌ای تمایل به غلبه بر برخوردهای جناح‌های حاکم میان خود نشان داد، به ویژه در اقدامات پیشروها و انقلابیون، مردم را «اغتشاش‌گر» اعلام کردند و نیروهای انتظامی که به مردم حمله کرده و آن‌ها را شکنجه می‌کردند، به عنوان «پلیس ما» در آغوش کشیده شدند.

موضع پرولتاریای آگاه طبقاتی نسبت به مبارزه میان جناح‌های طبقه حاکم که روز به روز خشونت‌آمیزتر می‌شود و انتظار می‌رود در دوره‌های آینده ادامه یابد، مدت‌هاست که شناخته شده است: «برای یک حرکت کمونیستی، البته هیچ سوالی وجود ندارد که یکی از دو جناح واکنش‌گرا را ترجیح دهد. حرکت کمونیستی هر دو را دشمن می‌داند؛ برای سرنگونی هر دو مبارزه می‌کند؛ اما چشم خود را بر مبارزه میان آن‌ها نمی‌بندد؛ برای کسب بیشترین بهره از این مبارزه برای خود، وضعیت آن‌ها را نسبت به یکدیگر به خوبی می‌سنجد، واکنش‌گراترین را منزوی کرده، اولین و شدیدترین حملات خود را علیه آن انجام می‌دهد، در حالی که ماهیت جناح واکنش‌گرای دیگر را نیز افشا کرده و خط دشمنی میان آن و خود را به شدت حفظ می‌کند. او می‌داند که این مبارزه میان طبقات حاکم ممکن است در هر لحظه به اتحاد علیه مردم تبدیل شود و جناحی که امروز بیشترین واکنش‌گرایی را دارد، ممکن است فردا با دیگری جایگزین شود. این بستگی به تغییر مداوم توازن قدرت میان واکنش‌گراها، به اینکه کدام جناح در قدرت است، به وجود بحران اقتصادی و سیاسی و شرایط مشابه دارد.» (IK, age)

مردم خاک مرده را از خود دور کردند و خیابان‌ها و میادین را پر کردند. این یک تجربه مهم برای توده‌های وسیع است. در عین حال، مردم نه تنها تهاجم دولت فاشیستی بلکه شخصیت درون‌ساز و فاشیستی حزب اپوزیسیون اصلی، حزب جمهوری‌خواه مردم (CHP) را نیز تجربه می‌کنند. روشن است که در دوره‌های آینده، به‌ویژه در روز جهانی کارگر (۱ ماه می)، اقدامات توده‌ای افزایش یافته و به سوی اهداف مشخص‌تری هدایت خواهد شد.

لازم است برای این فرآیند آماده شویم.

هیات تحریر

روزنامه «آینده رها» (اوزگار گلیجیک)

۲۶ مارچ ۲۰۲۵ میلادی

اپوزیسیون بورژوازی گفت که «غیرقانونی است، اما ما موافقت خواهیم کرد» با لغو مصونیت پارلمانی که در قانون اساسی خودشان وجود دارد، و با همکاری با دولت AKP-MHP، راه را برای دستگیری رهبران مشترک و نمایندگان حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP) هموار کرد. افزون بر این، CHP بیشترین تلاش را برای حفظ خشم و واکنش‌های مردم علیه دولت AKP-MHP در چارچوب نظم موجود انجام داده است. این حزب هر بار به‌عنوان وظیفه اصلی خود، خشم و واکنش‌های مردم را که خارج از نظم موجود بود، به سوی صندوق‌های رأی و انتخابات هدایت کرده است.

مطالبات مردم واقعی و انقلابی است !

با این حال، در شرایط کنونی، تحولات در عرصه بین‌المللی و فقر شدید، بیکاری، دستمزدهای پایین تحت عنوان حداقل دستمزد که بر طبقه کارگر و مردم کشور تحمیل شده است؛ سیاست انکار و همگن‌سازی ملیت‌های تحت‌فشار، به ویژه ملت گُرد، سیاست انکار و همگن‌سازی در قبال باورهای تحت‌فشار، به ویژه علوی‌ها، آینده ناپایداری جوانان، قتل زنان و سرکوب پدرسالارانه، جنایات نفرت‌آمیز، رفتارهای ضد دموکراتیک و سیاست‌های سرکوب فاشیستی مانند اخراج اخیر اداره کانون وکلای استانبول، خشم در میان مردم را انباشته کرده است.

دیگر نمی‌توانیم این خشم را در خود نگه داریم، به عبارت دیگر، این وضعیت دیگر قابل کنترل نیست. تشدید تضاد میان امپریالیست‌ها در عرصه بین‌المللی نشانه‌هایی از جنگ جدید تقسیمات را نشان می‌دهد و علاوه بر این، تأثیر مستقیم تشدید تضادهای میان امپریالیست‌ها بر جغرافیای خاورمیانه و قفقاز و غیره، به عنوان فرصتی برای حفظ قدرت ائتلاف AKP-MHP که نماینده جناح حاکم بر سر قدرت است، در نظر گرفته می‌شود.

برای همین، آن‌ها سیاستی تحت عنوان «تقویت جبهه داخلی» را پیاده کرده‌اند. در فرآیند اخیر، گرایش‌هایی که با جنبش ملی کردی انجام شده و به عنوان «اتحاد ترک و کرد» تبلیغ می‌شود، به عنوان محصول این سیاست شکل گرفته است، و قابل توجه است که «توافق شهری» انجام شده با جنبش دموکراتیک کردی در بازداشت امام‌اوغلو به‌عنوان جرم با «تروریزم» شناسایی شده است. علاوه بر این، پیشنهادات مضحکی مانند فراخوان دولت باغچلی فاشیست برای «برگزاری کنگره PKK در ملازگرت در ۴ ماه می» راه‌حلی با جنبش ملی کردی از سوی طبقات حاکم ترکیه نیست؛ بلکه سیاست به تعویق انداختن مبارزه قدرت درون جناح‌های طبقه حاکم را به ذهن می‌آورد.

افزون بر این، واضح است که فاشیزم ترکیه هیچ قدمی در این راستا برنداشته است. سیاست «تقویت جبهه داخلی» دولت ترکیه و جناح حاکم برسر قدرت به معنای ویژه حمله فاشیستی علیه طبقه کارگر و مردم به‌طور کلی و جنبش انقلابی و مخالف است؛ در شرایط کنونی که بحران اقتصادی مردم را بیشتر فقیر کرده، بیکاری افزایش یافته، جوانان آینده‌ای ندارند، زنان کشته می‌شوند، انواع رفتارهای ضد دموکراتیک و سرکوب فاشیستی در جریان است، واکنش فاشیستی حزب جمهوری‌خواه مردم (CHP) در مقابل بازداشت و دستگیری کاندیدای احتمالی ریاست‌جمهوری اپوزیسیون بورژوازی این بوده که واکنش مردم در خیابان‌ها را مهار کرده و سعی کند آن‌ها را در چارچوب نظم موجود نگه دارد. در برابر حمله فاشیستی دولت AKP-MHP، به‌ویژه دانش‌آموزان و جوانان که با بسیج توده‌ای که خاک مرده دانشگاه‌ها را پراکنده کرد، موانع پلیس را زخمی کرده و با شعار «نجات در جاده‌هاست، نه در صندوق رأی» به وضوح بیان کردند که چه باید کرد.

به مناسبت هشتم مارچ روز جهانی زن

ستم جنسیتی با ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی پیوند تنگاتنگی دارد.



بار دیگر روز جهانی زن فرارسید، فرا رسیدن هشت مارچ، روز جهانی زن را به همه زنان و مردان آزادی‌خواه جهان و به خصوص زنان و مردان آزادی‌خواه افغانستان تبریک می‌گوئیم.

هشتم مارچ روز مبارزه برای آزادی و رهایی زنان در سراسر جهان است. بناء زنان مبارز این روز را در سراسر جهان تجلیل می‌نمایند، تمامی نیروهای انقلابی اعم از زنان و مردان باید این روز را گرمی داشته و به استقبال گرمی داشت هرچه با شکوه‌تر این روز مهم و تاریخی بروند. زیرا تجلیل از هشتم مارچ تجلیل از مبارزات زنان جهان است. و تجلیل از قهرمانی زنان و قربانی‌های که زنان در راه احقاق حقوق خود در کشورهای مختلف و به خصوص ایالات متحده امریکا متقبل گردیده اند، می‌باشد.

ما امسال در حالی به پیشواز هشتم مارچ می‌رویم که طالبان آن چه که در توان داشتند برای محدود نمودن و سرکوب زنان بکار گرفتند. طالبان نه تنها محدودیت‌های خشن و غیر انسانی را بر زنان تحمیل نمودند، بل که تجاوزات جنسی را نیز به شکل فجیع و غیر انسانی بر زنان تحمیل کردند. یا به عبارت دیگر ما امسال در حالی به پیشواز هشتم مارچ می‌رویم که طالبان زنان را کاملاً به بردگان جنسی تبدیل نموده اند. زن ستیزی طالبان و حذف زنان از جامعه با اعمال خشونت و سرکوب و شوونیسم مردسالارانه طالبان چیزی است که اساس و پایه ایدئولوژیک - طبقاتی دارد.

تجاوزات فردی و یا گروهی طالبان بر زنان و فلم‌برداری از این عمل جنایت کارانه از طرف طالبان به صورت آگاهانه و به منظور ایجاد رعب و وحشت و درهم شکستن غرور زنان مبارز صورت می‌گیرد. امارت اسلامی به خاطر حذف زنان در جامعه به خشونت، اذیت و آزار جنسی و حتک حرمت و تجاوزات جنسی روی آورده که نمونه‌های بارز آن اعمال شنیع و شرم‌آور و تکان دهنده که توسط مأموران امر بالمعروف و قوماندان آنان انجام یافته است.

زمانی که یک زن شجاع از زندان طالبان نجات می‌یابد و می‌تواند از کشور خارج گردد و این فلم جنایت کارانه شان را به دسترس رسانه‌ها قرار می‌دهد و رسانه‌ای می‌شود و این عمل جنایت کارانه به شدیدترین وجه تقبیح می‌گردد، طالبان از این عمل شنیع و جنایت کارانه خود علناً بدون کدام شرمی دفاع می‌نمایند.

طالبان نه تنها در درون زندان، بل که زنان را در درون خانه و شهر و کوچه نیز مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند و حتی تلاش دارند تا از آن‌ها به عنوان بردگان جنسی بهره‌برداری نمایند. امروز طالبان مانند رژیم پوشالی کرزی و غنی هرچه بیشتر به

تجاوزات جنسی روی آورده اند و به این طریق می‌خواهند فساد اخلاقی را دامن بزنند. حتی آن‌ها با تهدید و ارباب زنان را وادار می‌کنند که به خواست شنیع شان تن دهند.

زنان مبارز و مردم ستم‌دیده کشور از عمل شنیع قاری سمیع الله آمر جنائی ولسوالی ینگه قلعه که یک زن را وادار به هم خوابه بودن می‌کند و رئیس زراعت قندوز که با یک زن متاهل به اجبار عروسی می‌کند، عیاشی و فحاشی برادر رئیس پاسپورت کابل که زبان زد خاص و عام گردید، هم چنین عمل شنیع ملا احمد آخند، رئیس برشنای کابل و محمد براء رئیس استخبارات ننگرهار، و هم چنان تجاوز یکی از کارمندان امر بالمعروف هرات بر یک خانم در داخل یک موتر به خوبی آگاهند. این موضوع را نیز آگاهند که دوسیه همه شان از طرف محکمه طالبان بسته شده است.

این بدان معنا نیست که فقط طالبان مرتکب چنین جنایتی می‌گردند و بقیه نیروهای ارتجاعی مبرا از این خصیصه اند. توده‌های زحمت کش به خوبی آگاهند که این تجاوزات به صورت عریان از زمان کودتای هفت ثور و رژیم نوکرمنش و دست نشانده «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» علناً بر زنان شروع گردید و زنان به خاطر این که سر و صورت شان دیده نشود خود را به چادر برقع پیچاندند. در زمان حاکمیت احزاب ارتجاعی جهادی این تجاوزات و فحاشی به شکل فجیع آن صورت گرفت و تا آنجا پیش رفت که حتی زنان را در ملا عام لخت نموده و زایمان شان را به نمایش می‌گذاشتند، از تجاوزات گروهی و بریدن سینه زنان نباید چیزی گفت. در دوران رژیم پوشالی کرزی و غنی ستم بر زن و تجاوزات جنسی علاوه بر این که کم نگردید، بل که روزبه‌روز افزایش هم یافت، حتی زنان در آپارتمان‌ها نیز محفوظ نبودند. اما بودند زنانی که علیه این بیدادگری صدای اعتراض شان را بلند نمودند و علیه چنین جنایاتی به مبارزه برخاستند. ما از مبارزه زنان علیه بیدادگران حمایت می‌کنیم و آن چه در توان داریم در راه متحد ساختن و ادامه مبارزات زنان انجام خواهیم داد.

ما بارها بیان داشتیم که سیاست خارجی امپریالیزم امریکا به دنبال رشد و حمایت بنیادگرایی در جهان است و نه مبارزه و مهار نمودن آن. امپریالیزم امریکا از طریق رشد و حمایت بنیادگرایی می‌خواهد اوضاع منطقه را متشنج نماید و کشورهای که گوش به فرمان نیستند، مطیع نموده و روی این خواسته شومش تلاش دارد تا افغانستان را مکان امنی برای رشد بنیادگرایی بسازد. بر اساس این خواست امپریالیزم امریکا است که طالبان اجازه فعالیت به بقیه گروه‌های تروریستی در افغانستان را داده است.

رشد بنیادگرایی در جهان به تأمین منافع امریکا خوانایی دارد. سوریه کنونی به خوبی بیان گر آن است که امریکا از طریق رشد بنیادگرایی، بهتر می‌تواند منافعش را تأمین نماید. امپریالیزم امریکا تلاش دارد تا با براندازی دولت‌های غیر مذهبی، دولت‌های مذهبی را جایگزین نماید. ایران، افغانستان، عراق، سوریه گویای این حقیقت است. ایالات متحده امریکا در ظرف هفت دهه اخیر برای ایجاد امپراطوری خویش با تکیه بر اسلام سیاسی کوشیده تا بنیادگرایی اسلامی را توأم با تروریسم رشد دهد.

زنان مبارز و انقلابی کشور باید بدانند که اعمال ستم بر زن یکی از اجزای اصلی ساختار جامعه است و در پیوند با ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی قرار دارد. مبارزه علیه ستم جنسیتی، زمانی مؤثر است که با مبارزه علیه ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی گره بخورد. بنابراین، باید از زنان خواست تا نه فقط برای حقوق فردی، بلکه برای دگرگونی ساختاری و عدالت طبقاتی بجنگند.

ستم بر زن بُعد جهانی دارد، و حتی در دموکرات‌ترین کشورها زنان از این ستم رنج می‌برند. حتی در امریکا حق سقط جنین از زنان سلب گردیده است. امروز امپریالیست‌ها از زنان به عنوان کالای تجارتي استفاده می‌نمایند، و فحاشی را به عنوان صنعت سکس یاد می‌کنند و عاملان این صنعت از این راه مبالغه هنگفتی به جیب می‌زنند. ادعای برابری میان زنان و مردان در کشورهای به اصطلاح متمدن، یک ادعای دروغین و بی‌پایه است. در کشورهای تحت سلطه که مناسبات نیمه فیودالی - نیمه مستعمراتی و یا کشورهای نیمه فیودالی - مستعمراتی - مانند افغانستان - تسلط دارد، زنان به شکل وحشیانه‌تری تحت ستم قرار دارند. در چنین کشورهایی زنان آشکاراً به عنوان بردگان مرد محسوب می‌گردند و زنان مانند هر شی دیگر ملکیت مردان به شمار می‌روند، و مورد خرید و فروش قرار می‌گیرند.

امروز در زیر چتر حاکمیت طالبان وضعیت زنان در افغانستان آن‌چنان وخیم گردیده که حتی زن ستیزان احزاب ارتجاعی جهادی و رسانه‌های ارتجاعی امپریالیستی صدا بلند نموده اند، و طالبان را محکوم می‌کنند. این عمل کرد خائنانه و جنایت کارانه طالبان علیه زنان منجر به آن گردیده تا ایدئولوگ‌های بورژوازی انحصاری هم بنام دفاع از «حقوق بشر» و «حقوق زنان» صدا بلند نمایند. ما با صراحت می‌گوئیم که این صدا بلند نمودن‌ها

امپریالیزم و در رأس آن امپریالیزم امریکا با این ستم اصلاً مشکلی ندارد. زیرا ستم بر زن تمایلات و جنون فردی نیست، بل که ریشه در ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی دارد، تا زمانی که این ستم پا بر جا باشد، ستم بر زن نیز پا بر جا باقی می‌ماند، زیرا سرکوب زنان بخشی از یک سیستم گسترده تر ظلم و استثمار است و زنان، نه فقط به عنوان قربانی، بلکه به عنوان پیشگامان مبارزه علیه چنین سیستمی و علیه ستم و استبداد باید به پا خیزند.

طالبان برای فریب و اغفال مردم زحمت کش به دروغ ادعا می‌کنند که «حجاب اسلامی و حدود شرعی خط قرمز ماست». گذشت بیش از سه و نیم سال حاکمیت آپارتاید جنسیتی طالبان به خوبی بیان گر آنست که این شعار فقط برای محدود نمودن زنان افغانستان طرح شده و در مورد خودشان صادق نیست. این شعار فقط به منظور وارد نمودن هر چه بیشتر فشارهای روحی، روانی و جسمی بر زنان و دختران اعمال می‌گردد تا زنان و دختران را از عرصه اجتماعی حذف نمایند.

طالبان با آن که زنان کشور را از تمامی حقوق شان محروم نموده اند و حتی حق گشت و گذار زنان را بدون «محرم شرعی» در پارک‌ها از آن‌ها گرفته اند، و حق سفر زنان در داخل کشور بدون «محرم شرعی» از آن‌ها سلب شده است، و طالبان این عمل شان را به اصطلاح حکم الهی و شرعی توجیه می‌نمایند، اما به خانم ویتنی رایت، ستاره صنعت سکس امریکایی که به ساختن فلم‌های برهنه زنان، مشهور است اجازه ورود داده می‌شود که از هرات، بامیان، کابل و مزار برای خود اسناد جمع‌آوری کند، ولی بر زنان کشور ظلم و ستم و حتک حرمت و کرامت انسانی تحمیل میدارند. خانم ویتنی رایت حق دارد تا طبق میل خود در داخل کشور سفر نماید و عکس‌های خود را با کلاشینکف به نمایش بگذارد. این حرکت طالبان نیز طبق خواست امپریالیزم امریکا صورت گرفته است، پشت این بازی چه اهدافی نهفته است بعدها مشخص خواهد گردید.

ما به زنانی که تن به این خفت و ستم نمی‌دهند و علیه تمام افکار و عقاید کهنه، سنت‌های مزخرف و فرسوده و روابط عقب مانده جامعه به مبارزه بر می‌خیزند درود می‌فرستیم، و از مبارزات شان حمایت می‌کنیم.

با به قدرت رساندن دوباره طالبان، توسط امپریالیزم امریکا، زنان در تنگ‌نای ستم شدیدتر قرار گرفته اند. با روی کار آمدن دوباره طالبان، فرهنگ کهنه نیمه فیودالی به صورت غالب مسلط گردیده و اجرا می‌گردد. همین ایدئولوژی عقب مانده قرون وسطایی حکم می‌کند که زنان باید تابع مردان بوده و در مقابل مردان تمکین نمایند. امروز در افغانستان همه به خوبی می‌دانند که تابعیت زن از مرد یک قانون به رسمیت شناخته شده مذهبی است و سخت مورد حمایت طالبان قرار دارد. اشغال‌گران امریکایی با اعمال این ستم بر زنان مشکلی ندارند. آن‌ها خواستار آنند که توسط نیروهای قرون وسطایی و بنیادگرا، منافع شان را هر چه بیشتر در افغانستان و منطقه تأمین نمایند.

در بافت سیستم مستعمره - نیمه فیودالی عقب مانده جامعه افغانستان تنیده شده است.

با صراحت باید گفت که بدون سرنگونی نظام ارتجاعی موجود نمی توان از قرار گرفتن زنان در مسیر رهایی کامل سخنی به میان آورد زیرا ستم بر زن بخشی از نظام مسلط ارتجاعی موجود است و در پیوند با سایر اشکال ستم (ستم طبقاتی، ستم ملی و ستم جنسی) قرار دارد. زیرا ستم جنسی با ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی گره خورده است. فقط زمانی این ستم می تواند محو شود که نیروهای انقلابی اعم از زنان و مردان دوشادوش یکدیگر تحت رهبری حزب پیش آهنگ طبقه کارگر از طریق جنگ خلق این نظام ارتجاعی را سرنگون نموده و کلیه امتیازات امپریالیزم را ملغا نماید. به امید چنین روزی به پیش.

زنان انقلابی و مبارز افغانستان!

بیائید هشتم مارچ روز جهانی زن را با شعار آهین به پیش به سوی بسیج زنان و مردان انقلابی برای بر پائی و پیش برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی تجلیل نمائیم.

در این روز، باید یک بار دیگر خشم خود را به نیروی مبارزاتی تبدیل کنیم و روز هشتم مارچ روز جهانی زن را با استواری و استحکام علیه ستم طبقاتی، ستم جنسی، ستم ملی و ستم امپریالیستی پیش بریم.

ما یقین کامل داریم که زنان به صورت بالقوه دارای شور و شوق انقلابی عظیمی می باشند هر گاه این شور و شوق در جهت انقلاب رها شود تأثیرات بالفعل بزرگی بر پیشرفت پروسه انقلاب، خواهد داشت.

« زنجیرها را بشکنید، خشم زنان را هم چون نیروی مهیب برای انقلاب رها کنید »!

زنده باد هشتم مارچ روز جهانی زن

زنده باد مبارزات آزادی بخش زنان در سراسر جهان

مرگ بر رژیم پوشالی و تئوکرات طالبان و متحدین اشغال گرشان

مرگ بر اشغال گران امپریالیست

دست مداخله گران کشورهای هم سایه از افغانستان کوتاه باد

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

هشتم مارچ ۲۰۲۵ میلادی

۱۸ حوت ۱۴۰۳ خورشیدی

www.cmpa.io

sholajawid@cmpa.io || sholajawid2@hotmail.com

یک عوام فریبی بیش نیست. بورژوازی انحصاری (امپریالیزم) به خوبی از ماهیت زن ستیزانه تمامی نیروهای بنیادگرا و به خصوص طالبان آگاهی داشتند با آن هم قدرت را برای بار دوم به ایشان سپردند و آن ها را مورد حمایت همه جانبه قرار می دهند.

تاریخ بیست ساله حضور نظامی اشغال گران به رهبری امپریالیزم اشغال گر امریکا به خوبی نشان داد که شعار «دموکراسی»، «مبارزه علیه تروریسم بین المللی» و «رهایی زنان از قید اسارت طالبانی» یک عوام فریبی بیش نبوده است. امپریالیزم به هیچ وجه نه می خواهد و نه می تواند این کار را انجام دهد.

امروز مردمان سراسر جهان شاهد و گواه آنند که بحث حقوق زنان افغانستان در سطح کشورهای امپریالیستی و به خصوص امپریالیزم امریکا کاملاً رنگ باخته و هیچ صدایی در این مورد بلند نمی شود.

در جامعه نیمه فیودالی - مستعمره افغانستان، بزرگ ترین ضعف جنبش زنان این است که اکثریت زنان تحصیل کرده نسبت به جای گاه مذهب و قدرت سیاسی حاکم هیچ گونه آشنایی ندارند و آن ها همان نکاتی را زمزمه می کنند که سیستم مردسالار حاکم که حامی ستم بر زن و مالکیت خصوصی است به آن ها دیکته می نماید.

زنان آزادی خواه کشور باید این نکته را به خوبی درک نمایند که ستم بر زن منشأ طبقاتی دارد، و مذهب در خدمت طبقه حاکمه قرار دارد. مذهب در نزد طبقه حاکمه بهترین سلاح سرکوب زحمت کشان و به خصوص زنان است.

در ظرف بیش از سه و نیم سال حاکمیت طالبانی، امارت اسلامی افغانستان نه تنها مرتکب جنایات علیه زنان گردیده، بل که مرتکب جنایات بی شماری علیه توده های زحمتکش افغانستان نیز گردیده است. به طور مثال اعدام دسته جمعی اسیران جنگی، مفقود الاثر نمودن تعداد زیادی از جوانان کشور در اسپین بولدک، نسل کشی هزاره ها، اعدام های خودسرانه صحرائی، کوچ اجباری اهالی ولسوالی گیزو و دایکندی و پنجشیر، انتقال تعدادی از جوانان پنجشیر بعد از تصرف پنجشیر به جای نامعلوم.

جنایاتی که سوسیال امپریالیست ها با هم نوایی رژیم پوشالی شان انجام دادند و جنایاتی که دیروز امپریالیزم لجام گسیخته امریکا همراه با رژیم پوشالی مرتکب شد و جنایاتی که امروز طالبان مرتکب می شوند همه و همه ناشی از خصایل ماهوی جنایت کارانه است که توسط امپریالیزم و خائنین ملی و ارتجاع منطقه در افغانستان بوقوع پیوسته و خواهد پیوست. این جنایت تا زمانی که این سیستم حاکم باشد، پا بر جا خواهد ماند.

انقیاد و تحت ستم بودن زنان افغانستان را نمی توان جدا از بافت سیستم حاکمه نیمه فیودالی بررسی نمود؟ این انقیاد و تحت ستم بودن زنان را نمی توان جدا از ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی بررسی کرد. انقیاد و تحت ستم بودن زنان عمیقاً



حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

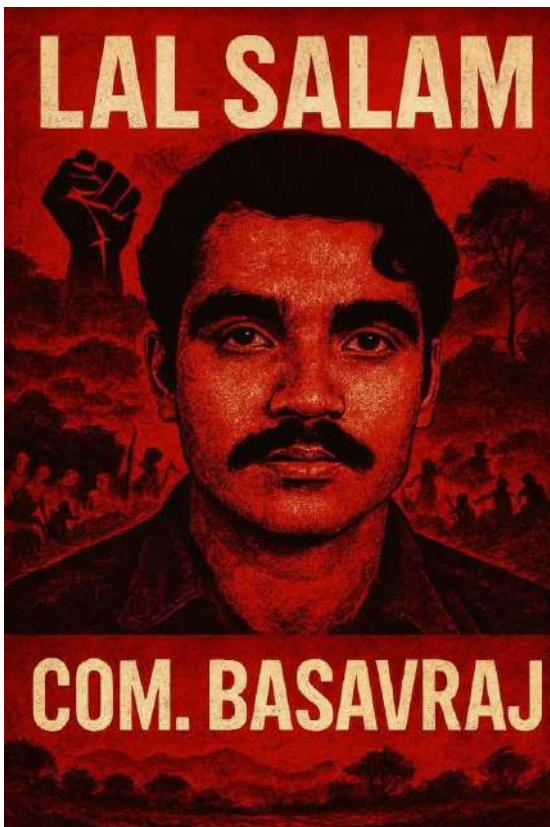
استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



پیام تسلیت و تجلیل از رفیق باساواراجو (نمبالا کشاوا رانو)

دبیرکل حزب کمونیست هند (مائوئیست)

به حزب کمونیست هند (مائوئیست) !



با قلب پر از غم و اندوه و سرافراشته از غرور، فقدان غم‌انگیز رفیق باساواراجو، دبیرکل حزب کمونیست هند (مائوئیست)، را به تمامی مائوئیست‌ها، نیروهای پیشرو، کارگران، دهقانان، روشنفکران متعهد، و مبارزان راه‌رهای، تسلیت می‌گوییم.

باساواراجو، فرزند صدیق خلق و نماد ایستادگی در برابر امپریالیسم و ستم طبقاتی، زندگی خود را وقف نبردی خستگی‌ناپذیر علیه دولت فاشیستی هند و حامیان امپریالیستی‌شان برای عدالت، برابری و آزادی نمود. او نه تنها استراتژیست و رهبر برجسته‌ای بود، بلکه الهام‌بخش نسل‌های مبارز در سراسر جنوب آسیا و فراتر از آن محسوب می‌شد.

او با گام‌هایی استوار در دل جنگل‌های سرخ و در سنگرهای بی‌امان مقاومت، پیام رهایی‌بخش خلق‌ها را با خون خود نگاشت. کشته شدن نابهنگام او به تاریخ ۲۱ می ۲۰۲۵ به همراه (۲۶) تن از رفقای مائوئیست و از جمله پیش‌تازان ارتش خلق هند، توسط نیروهای امنیتی دولت فاشیستی هند تحت عملیاتی بنام «عملیات ضد ناگزالیستی دولت هند» در منطقه جنگلی ابوجمار در چاتیسگر، ضایعه‌ای بزرگ، اما مشعل‌افروز راهی روشن‌تر برای ماست.

یاد و نام رفیق باساواراجو در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی - ارتجاعی، چون درفشی برافراشته خواهد ماند!

سرنگون باد امپریالیسم و ارتجاع !
 زنده باد مقاومت خلق‌ها!

ناگزالباری هرگز نخواهد مرد !
 نام و راه باساواراجو جاودان باد!

با ادای کامل احترام نظامی و همبستگی انترناسیونالیستی !

کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
 ۲۵ می ۲۰۲۵ میلادی

www.cmpa.io

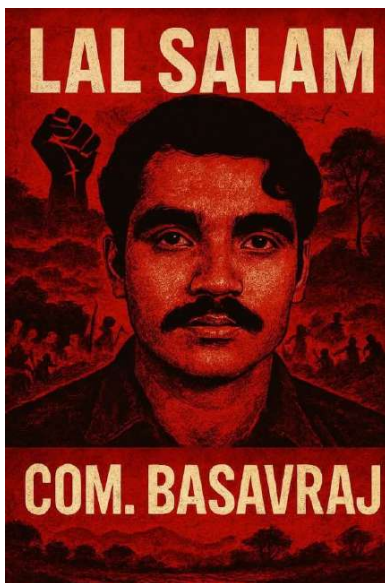
sholajawid@cmpa.io || sholajawid2@hotmail.com

ما در کنار همه رفقای مائوئیست هند و تمامی رفقای مائوئیست جهان، پیمان می‌بندیم که راه او را با عزمی متین، سازمان‌یابی و آگاهی طبقاتی ادامه دهیم.

به یاد رفیق باساواراجو (نامبالا کشاوا رائو)

جانباختن رفیق باساواراجو، دبیرکل حزب کمونیست هند (مائوئیست)، ضایعه‌ای بزرگ برای مردم هند و تمامی ستم‌دیدگان و استثمار‌شدگان جهان است. او زندگی خود را به طور کامل وقف خدمت به مردم کرد و رهبری توانمندی به جنبش مائوئیستی بخشید.

رژیم فاشیستی برهمنی-هندوتوای مودی، با غرور و شادی از مرگ این رفیق استقبال می‌کند. پس از این قتل، بی‌تردید این رژیم با خشونت بیشتری جنگ خود علیه مردم را ادامه خواهد داد، حتی در شرایطی که بخش‌های گسترده‌ای از جامعه مدنی خواهان صلح هستند.



اما آنچه این رژیم در غرور فاشیستی خود درک نمی‌کند این است: انقلاب دموکراتیک نوین نه از یک فرد زاده شده، و نه با کشتن شدن یک فرد پایان خواهد یافت — حتی اگر آن فرد برای مردم و انقلاب بسیار ارزشمند بوده باشد.

این نخستین بار نیست که جنبش مائوئیستی در هند یکی از رهبران برجسته خود را از دست می‌دهد. و این نخستین بار نیست که طبقات حاکم از این اتفاق شادمان می‌شوند. اما همیشه این شادی کوتاه‌مدت بوده است.

خیلی زود آن‌ها دوباره ناچار شده‌اند که جنبش مائوئیستی را بزرگ‌ترین تهدید برای حاکمیت خود بدانند.

و این چرخه، بارها و بارها تکرار خواهد شد... تا زمانی که انقلاب پیروز شود.

خاطره زندگی و جانباختن رفیق باساواراجو و بی‌شمار جانباختگان دیگر، همواره الهام‌بخش مردم، جوانان و نسل‌های آینده این سرزمین خواهد بود.

ناگزالباری هرگز نخواهد مرد!

ک. مورالی (آجیت)

۲۳ می ۲۰۲۵ میلادی

ICSPWI

International Committee to Support the People's War in India

افتخار و شکوه بر رفیق باساواراجو (نامبالا کشاوا رائو)

اطلاعیه کمیته بین‌المللی حمایت از جنگ خلق در هند

نامبالا کشاوا رائو (باساواراجو): نماد ایستادگی و انقلاب مائوئیستی هند:-



سفر زندگی کشاوا رائو نمایانگر آن بود که چگونه یک انقلابی مارکسیست، حتی در سخت‌ترین خطرات و پیچیده‌ترین مسیرها، از پا نمی‌نشیند.

او نشان داد که چگونه طوفان‌های انقلابی، انقلابیون را می‌زاینند و چگونه دگرگونی معنوی در درون یک انقلابی شکل می‌گیرد. جستجو و تجربه‌ورزی، ویژگی دائمی زندگی‌اش بود؛ عاملی که به او توانایی داد از عمیق‌ترین لحظات یأس، موجی از خیزش انقلابی را زنده کند. ویژگی‌های کشاوا رائو ترکیبی از پایداری، شجاعت و خلاقیت بود که به اوج آسمان رسید. او تا آخرین لحظه، روحیه جمع‌گرایی را پاس داشت و با فردگرایی مبارزه کرد.

او با مهارتی بی‌نظیر، پایه‌ها و ساختارهای جنبش انقلابی را حفظ کرد. کمتر رهبری در جنبش کمونیستی، نقشی به این اندازه محوری در شکل‌گیری جنبش دانداکارانی یا نهادینه کردن دموکراسی انقلابی ایفا کرده است. هر بخش از زندگی او، همانند فصلی نو از یک حماسه بود؛ شرحی از رشد و تکامل او از مراحل ابتدایی تا رسیدن به جایگاه رهبری بزرگ مائوئیستی، خود یک شاهکار بود.

پیشینه و تحصیلات:-

کشاوا رائو، فرزند یک معلم مدرسه، اهل روستای جی‌یاناپتا در ناحیه سریکاکولام ایالت آندرا پردیش بود. او تحصیلات ابتدایی‌اش را در روستای خود آغاز کرد، دوره لیسه را در تالاگام (روستای پدر بزرگش) گذراند و سپس در کالج جونیور تکالی ادامه تحصیل داد.

تحول انقلابی او از سال دوم دوره کارشناسی در پوهنخی انجینیری ناحیه‌ای (REC) در سال‌های ۱۹۷۳-۷۴ آغاز شد؛ جایی که او از بنیان‌گذاران اتحادیه دانشجویی انقلابی (RSU) در وارنگال بود. او با قدرت در برابر خشونت و سیاست فرقه‌ای ABVP ایستاد و پوهنخی خود را به «پوهنخی انجینیری رادیکال» بدل کرد. با شدت گرفتن سرکوب‌ها در دوران وضعیت اضطراری، او تصمیم گرفت مخفی شود و تا پایان عمرش دیگر هرگز آشکار ظاهر نشد.

او در دوران دانشگاه در ورزش‌های کبدی، والیبال و کریکت بسیار توانمند بود.

در حالی که مخفیانه در وارنگال زندگی می کرد، مدتی به عنوان باربر (همالی) کار کرد تا بتواند در میان کارگران محلی سازماندهی کند.

نقش نظامی:-

کشاوا رائو در طراحی عملیات مائوئیستی، استراتژیست زبردستی بود و در فرماندهی جنگ چریکی مهارت داشت.

در سال ۱۹۸۰، زمانی که حزب تصمیم گرفت واحدهایی را به جنگل ها بفرستد، او به عنوان فرمانده اولین واحد به ناحیه شرق گوداوری اعزام شد و با نام «گانگانا» شناخته می شد. او به تدریج یکی از ارکان جنبش دانداکارانیا شد و ابتدا به کمیته ارتباطات جنگلی و سپس به کمیته ویژه زون دانداکارانیا انتخاب شد و برای سال ها دبیر این کمیته بود.

در سال ۱۹۸۶، هنگامی که برای یک قرار در ویساخاپاتنام منتظر بود، پلیس مخفی قصد بازداشت او را داشت اما با درگیری فیزیکی و سپس تیراندازی از صحنه گریخت. از آن زمان تا هنگام شهادتش، هرگز توسط پلیس دستگیر نشد.

به عنوان رئیس کمیسیون مرکزی نظامی (CMC)، او در بسیاری از دستاوردهای بزرگ نظامی جنبش انقلابی هند نقش کلیدی داشت. از جمله، تأسیس تشکیلات نظامی سطح بالا در ۱۹۹۵، تأسیس ارتش چریکی خلق در سال ۲۰۰۰، و در سال ۲۰۰۴ ایجاد ارتش آزادی بخش چریکی خلق (PLGA)؛ او شخصاً به آموزش واحدهای نظامی در ایالت های آندرا پرادش، تلنگانا، بیهار، جارکند و دانداکارانیا پرداخت و مستقیماً در عملیات ها شرکت داشت.

برخی از حملات نظامی بزرگ تحت رهبری باساواراجو (باسوراج) شامل:

- **حمله سوکما ۲۰۱۸:** انفجار بمب کنار جاده ای (IED) علیه موتر زرهی نیروهای CRPF که منجر به کشته شدن ۹ نفر و زخمی شدن ۶ نفر شد.

- **انفجار مین گادچی رولی ۲۰۱۹:** انفجار مین که منجر به کشته شدن ۱۵ پلیس و یک درپور آن شد.

- **کمین سوکما-بیجاپور ۲۰۲۱:** درگیری سنگین که به کشته شدن ۲۲ نیروی امنیتی و زخمی شدن ۳۲ نفر انجامید.

- **انفجار دانتوادا ۲۰۲۳:** حمله IED که منجر به کشته شدن ۱۰ نیروی DRG و یک غیرنظامی شد.

- **حمله بیجاپور ۲۰۲۵:** انفجار شدید IED که منجر به کشته شدن ۸ نیروی DRG و یک درپور آن شد.

نقش در سازماندهی مجدد و رهبری حزب مائوئیست:-

جنبش کمونیستی هند بارها شاهد اتحاد و انشعاب میان احزاب مارکسیست-لنینیست بوده است. رفیق باساواراجو نقش کلیدی در حفظ وحدت پایدار پس از ادغام «جنگ خلق» و «وحدت حزبی» در ۱۹۹۸ و سپس ادغام با MCCI در سال ۲۰۰۴ و تأسیس حزب کمونیست هند (مائوئیست) ایفا کرد. او در تصمیم گیری های راهبردی مانند ایجاد پایگاه های چریکی در دانداکارانیا و ساختارهای قدرت دموکراتیک خلق، نقشی حیاتی داشت.

او در سن ۶۵ سالگی و در شرایط بحرانی جنبش، به دبیرکلی حزب رسید و تا آخرین نفس، بی وقفه مبارزه کرد. از سال ۲۰۱۸ تا زمان کشته شدنش در سال ۲۰۲۵، به مدت هفت سال دبیرکل حزب بود. پیش از آن نیز، از زمان تأسیس کمیسیون نظامی مرکزی در حزب «جنگ خلق» در سال ۲۰۰۱، مسئولیت آن را بر عهده داشت و پس از تشکیل حزب مائوئیست، در دفتر سیاسی و کمیسیون نظامی نقش برجسته ای ایفاء نمود.

کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند

۲۳ می ۲۰۲۵ میلادی

رفیق باساواراجو جاودانه است!

(PLGA) داشت و در اتحاد و یکپارچه سازی نیروهای مائوئیست هندی سهم قابل توجهی داشت. پس از تأسیس حزب کمونیست هند (مائوئیست) در سال ۲۰۰۴، به کمیسیون نظامی مرکزی و دفتر سیاسی پیوست و رهبری این نهادها را برعهده گرفت.

در سال ۲۰۱۸ و در سن ۶۵ سالگی، رفیق «باساواراجو» سمت دبیرکلی حزب را به عهده گرفت و در سن ۷۲ سالگی در تاریخ ۲۲ می ۲۰۲۵ در نبرد با دشمنان جان باخت. با وجود کهولت سن، او همچنان حزب را رهبری می کرد و جنگ خلق علیه تهاجمات دولت فاشیست هند را هدایت می نمود.

به همین ترتیب، رفیق «باساواراجو» رهبری بود که برای مبارزه مشترک پرولتاریای بین المللی تلاش کرد و در آن مشارکت داشت. با وجود همه حملات محاصره و سرکوب دشمن، رفقای هندی روابط خود را با بسیاری از احزاب کمونیست جهان حفظ کرده و رفیق «باساواراجو» مشارکت های تئوریک مهمی در راستای وحدت مرکزی احزاب مائوئیست داشت.

اگر دشمن حمله می کند، اوضاع خوب است!

سال ها پیش، رفیق مائو گفته بود: «اگر دشمن حمله می کند، یعنی اوضاع خوب است.»

امروزه، دولت فاشیستی هند به رهبری مودی، حمله ای همه جانبه به جنبش مائوئیستی تحت عنوان «عملیات کاگار» ادامه می دهد، که این حمله جنگ خلق را تقویت می کند؛ درین عملیات حملات گسترده ای به مردمان بومی صورت می گیرد، روستاها را تخلیه می کنند، مقاومت کنندگان را شکنجه کرده و سلاخی می کنند. این تهاجم با هدف واگذاری منابع زیرزمینی و سطحی هند به امپریالیست ها صورت می گیرد، اما با مبارزه کمونیست های هندی و همبستگی بین المللی، ناکام خواهد ماند.

با کمال تأسف مطلع شدیم که «نمبالا کشاوا رائو»، معروف به «رفیق باساواراجو»، دبیرکل حزب کمونیست هند (مائوئیست) و یکی از نیروهای پیشاهنگ پرولتاریای بین المللی، به همراه ۲۷ چریک دیگر در درگیری با نیروهای نظامی فاشیست هند جان خود را از دست داده اند. در همین نبرد، یکی دیگر از کادرهای ارزشمند حزب، «سایجاناسوارا راجو» نیز جان باخت.

رسانه های دولتی مدعی اند که وی در میدان نبرد کشته شده، اما همین رسانه ها اغلب مردم را درباره مرگ رهبران گمراه می کنند. پیش ازین نیز رفیق کیسنجی را به صورت خونسردانه ترور کرده و آن را «درگیری مسلحانه» نامیدند، که معلوم شد یک درگیری ساختگی بوده است. بنابراین، احتمال دارد که رفیق «باساواراجو» نیز به شیوه ای مشابه به قتل رسیده باشد. صرف نظر از این ادعاها، واقعیت آن است که رفیق «باساواراجو» همراه با ۲۶ تن دیگر به طرز وحشیانه ای به قتل سانده اند.

جاودانگی رفیق «باساواراجو» و دیگر رفقایمان، پیش از هر چیز، ضایعه ای بزرگ برای طبقه کارگر، دهقانان و توده های مردم هند، و همچنین برای حزب کمونیست هند (مائوئیست)، ارتش چریکی آزادی بخش خلق (PLGA) و جنبش بین المللی کمونیستی است. اما ما می دانیم که ده ها کمونیست هندی جای رفیق «باساواراجو» را خواهند گرفت و وظیفه پیشبرد و انجام انقلاب دموکراتیک [نوین] خلق را به عهده خواهند گرفت.

رفیق «باساواراجو» یک رهبر کمونیست بود!

رفیق «باساواراجو» مبارزه اش را در جوانی با سازماندهی در جنبش دانشجویی آغاز کرد و سپس مسئولیت های مختلفی را که حزبش به او محول می کرد، بر عهده گرفت. او نقش برجسته ای در شکل گیری و توسعه ارتش چریکی آزادی بخش خلق

پرولتاریای بین‌المللی رفیق «باساواراجو» را فراموشی نخواهد کرد!

رفیق «باساواراجو» که از جوانی برای تحقق هند دموکراتیک نوین به مدت پنجاه سال مبارزه کرد و در نبرد با دشمنان جان باخت، برای همیشه در قلب پرولتاریای بین‌المللی و خلق‌های تحت ستم زنده خواهد ماند.

ما در ادامه، به عنوان احزاب و سازمان‌های کمونیستی از کشورهای مختلف، مراتب عمیق همدردی خویش را با حزب کمونیست هند (مائوئیست) و ارتش چریکی آزادی‌بخش خلق اعلام می‌داریم. بار دیگر تأکید می‌کنیم که رفیق «باساواراجو» را در مبارزه‌مان زنده نگاه خواهیم داشت.

رفیق «باساواراجو» جاودانه است!

زنده باد مبارزه خلق هند!

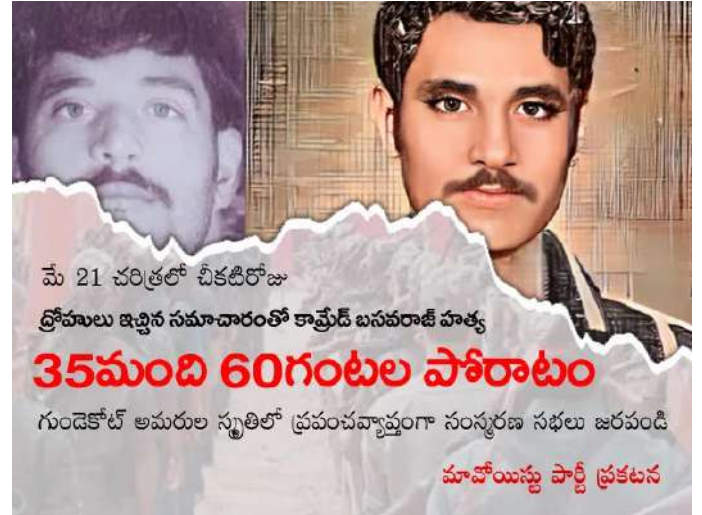
زنده باد انترناسیونالیزم پرولتری!

۳۱ ماه می ۲۰۲۵

بیانیه از تاریخ ۲۵ ماه می برای امضا باز است:-

امضاکنندگان:

1. حزب کمونیست انقلابی نپال
2. حزب پرولتری پوربو بنگلا - بنگلادیش (PBSP)
3. حزب میهن پرست سوسیال دموکرات تونس (PPDS)
4. حزب کمونیست ترکیه - مارکسیست لنینیست (TKP-ML)
5. حزب کارگران تونس (الکاحین)
6. اتحادیه مائوئیست‌های اورال [م.ل.م. روسیه]
7. حزب کمونیست سوئیس
8. حزب کمونیست انقلابی آرژانتین (PCR)
9. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
10. کمیته کمونیستی برازیل
11. حزب کمونیست انقلابی اروگوئه







حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



جنگ ماه می ۲۰۲۵ هند و پاکستان؛ نبردی استعماری در لباس دفاع ملی!



«جنگ امپریالیستی از بحران اقتصادی جهانی نظام سرمایه‌داری امپریالیستی ناشی می‌شود که خواهان تقسیم مجدد جهان است.

تهاجم روسیه به اوکراین، نسل‌کشی جاری در فلسطین توسط دولت صهیونیستی اسرائیل، حملات به لبنان، یمن، سوریه، اشغال کردستان و کشتار مردم کرد توسط دولت فاشیستی ترکیه، و آمادگی آمریکا برای حمله و محاصره چین از طریق فیلیپین و ایجاد اتحادها در منطقه اندو-پاسیفیک، همه و همه بخش‌هایی از مسیر جنگ تقسیم مجدد جهان هستند.

در مقابل این مسیر جنگ، اقدام چین در عرصه اقتصاد جهانی، تهاجم روسیه به اوکراین و هم‌چنین صف‌بندی تدریجی سایر کشورها مانند ترکیه، هند، برزیل و غیره در پی ایفای نقش ژاندارم منطقه‌ای در چارچوب نظام امپریالیستی پاسخ داده می‌شود. « (اعلامیه مشترک اول می ۲۰۲۵)

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در اعلامیه ۱۴ دسامبر ۲۰۲۴ (۲۴ قوس ۱۴۰۳) خویش در مورد توسعه طلبی هند در سطح منطقه چنین نگاشته است:

« اتحاد هند و آمریکا در منطقه جنوب آسیا می‌تواند به ضربه زدن مجموع مبارزات مسلحانه از قبیل مبارزات مسلحانه در مناطق مختلف

جنوب آسیا در سده گذشته، صحنه درگیری‌های متعدد میان هند و پاکستان بوده است؛ اما جنگ ماه می ۲۰۲۵ میلادی، با ماهیتی متفاوت، دامنه‌ای وسیع‌تر و پیامدهایی جنوپلیتیکی و طبقاتی، وارد میدان شد. این جنگ، در ظاهر، پاسخی به حملات «شبه‌نظامیان» یا تلاشی برای «دفاع از تمامیت ارضی» بود، اما در باطن، بر پایه منطق رقابت‌های امپریالیستی و بحران‌های داخلی هر دو دولت شکل گرفت.

در این اعلامیه، کوشش می‌شود تا از ورای روایت‌های رسمی و میهن‌پرستانه، واقعیت پنهان این درگیری آشکار گردد. با تمرکز بر ابزارهای نوین جنگی، نقش رسانه‌ها، منافع سرمایه‌داری داخلی و ساختارهای قدرت، جنگ ماه می ۲۰۲۵ میلادی، نه به‌عنوان یک نزاع صرفاً مرزی، بلکه به‌مثابه نمودی بارز از تضادهای طبقاتی و بازتابی از سیاست‌های امپریالیستی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در نهایت، این پرسش اساسی مطرح می‌شود:

توده‌های کارگر و دهقان در این معادله در کجا ایستاده‌اند؟ و چه افقی برای رهایی آنان می‌توان ترسیم کرد؟

تنش‌های نظامی میان هند و پاکستان در شرایطی روی داد که تضادهای ذات‌البینی امپریالیستی تشدید یافته‌اند؛ تشدید این تضادها میان امپریالیزم لجام‌گسیخته آمریکا و سوسیال امپریالیزم چین و روسیه از یک سو و بین تمامی قدرت‌های امپریالیستی در سراسر جهان که هر یک در تلاش‌اند تا متناسب به ظرفیت خود، جایگاه بیشتری در نظام بازار اقتصاد جهانی به دست آورند، از سوی دیگر، به حدت این تضاد می‌افزاید.

در چنین شرایطی، جنوب آسیا، منطقه هند و اقیانوس آرام، همچون انبار باروت آماده به انفجار است. در چنین شرایطی، درگیری دیرینه و نیمه خاموش بین این دو قدرت هسته‌ای، و دشمنی دیرینه میان این دو کشور هر آن و لحظه می‌تواند به چنین انفجاری مدد رساند.

تنش‌های ایجاد شده نظامی در تاریخ‌های ۷ الی ۱۰ می ۲۰۲۵ میان هند و پاکستان بخشی از تحلیل اعلامیه مشترک اول می ۲۰۲۵ احزاب و سازمان‌های مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی است که ۷ روز پس از انتشار اعلامیه مشترک صحت تحلیل آن تثبیت شد. در یک بخش از اعلامیه مشترک چنین آمده است:

واگذار کردند. بریتانیا نیز بر اساس معاهده «امریتسر» آن را به گلاب سینگ، حاکم ایالت شاهزاده نشین همسایه، جمو، فروخت. اما کنترل نهایی منطقه در دست بریتانیا باقی ماند.

در سال ۱۹۴۷، زمانی که بریتانیا از شبه قاره هند خارج شد، بیش از ۵۰۰ ایالت شاهزاده نشین امکان پیوستن به هند یا پاکستان را داشتند. این تصمیم معمولاً بر اساس دین اکثریت جمعیت آنها گرفته شد؛ اما «مهراجه هری سینگ»، حاکم هندو مذهب کشمیر، در ابتدا خواهان استقلال بود، هرچند بیش از ۷۰ درصد جمعیت منطقه مسلمان بودند. پاکستان شبه نظامیان قبیله ای، و سپس ارتش خود را به کشمیر فرستاد. در پاسخ، «مهراجه» از هند درخواست کمک نظامی کرد. هند پذیرفت، اما به شرطی که کشمیر به هند بپیوندد، که مهراجه نیز با آن موافقت کرد.

نیروهای هندی مهاجمان پاکستانی را عقب راندند. سازمان ملل متحد وارد عمل شد و خواستار برگزاری همه پرسی برای تعیین آینده منطقه شد، اما هند شرایط لازم برای اجرای این همه پرسی را به تأخیر انداخت و این رأی گیری هرگز برگزار نشد.

در نتیجه، حدود دو سوم از مساحت کشمیر (از مجموع تقریباً ۲۲۰ هزار کیلومتر مربع) تحت کنترل هند درآمد و یک سوم آن به پاکستان واگذار شد.

در سال ۱۹۶۲، چین از بحران موشکی کیوبا بهره برداری کرد و در جنگی کوتاه با هند، بخش هایی از کشمیر شرقی را تصرف کرد؛ منطقه ای که بین «سین کیانگ» و «تبت» چین قرار دارد.

امروز، حدود ۴۵ درصد کشمیر در کنترل هند، ۳۵ درصد در کنترل پاکستان و ۲۰ درصد در کنترل چین است.

جنگ بر سر کشمیر:-

هند و پاکستان در سال های ۱۹۶۵ و ۱۹۹۹ دو بار دیگر بر سر کشمیر وارد جنگ شدند که هر دو بار هند پیروز شد.

اوضاع به ویژه به این دلیل نگران کننده است که هر سه کشور درگیر - هند، پاکستان و چین - دارای سلاح هسته ای هستند.

هند، پاکستان را متهم به تأمین مالی و تسلیح [جبهه مقاومت لشکر طیبه] در کشمیر می کند. از اواخر دهه ۱۹۸۰، بیش از ۴۵ هزار نفر در این مناقشه کشته شده اند.

هند که مهم ترین آن ها جنگ خلق تحت رهبری حزب کمونیست هند (مائوئیست) در اکثر ایالات آن کشور و هم چنان مبارزات مسلحانه در کشمیر، نیز در چهارچوب این اتحاد، مطرح باشد. حتی ممکن است در مورد تشکیل حزب کمونیست انقلابی نیپال (می ۲۰۲۴) و جنگ خلق در آن کشور با عواقب سیاسی - نظامی آن نیز در چارچوب این اتحاد و بینش توسعه طلبانه هند مطرح باشد. بناء واضح است که از یک طرف روی کار آمدن امارت اسلامی افغانستان با حمایت بی دریغ امپریالیزم غرب و از طرف دیگر اتحاد هند و امریکا بر سر منافع منطقه دیر یا زود به مقاومت ملی مردمی و انقلابی افغانستان، ولو این که فعلاً در فضای اختناق سیاسی قرار گرفته و شکل سیاسی ضعیف دارد، نیز تاثیر گذار گردد. « (بیانیه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در مورد "اوضاع کنونی منطقه و جهان" و وظایف عاجلی که در شرایط کنونی فرا روی ما قرار دارد - ۱۴ دسامبر ۲۰۲۵)

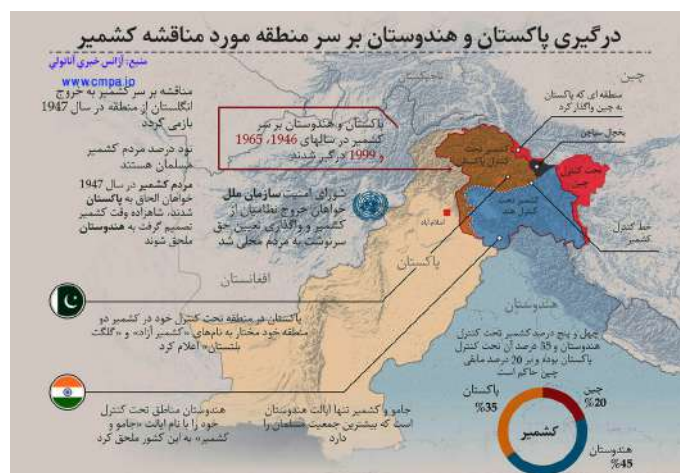
دیری نپائید که رژیم هندوتوای مودی این ناسیونالیزم افراط گرا و فاشیست که بر برتری طلبی هندوئیسم تاکید دارد و آن را منحصراً ایدئولوژی رسمی هند ارتقاء داده است، به ویژه با تکیه بر شاخص های اقتصادی و جمعیتی اخیر، و بعنوان مهم ترین سنگر امپریالیزم امریکا در جنوب آسیا برای مقابله با چین، در تهاجم نظامی فاشیستی علیه پاکستان تحت حاکمیت رژیم ارتجاعی اسلام گرا، در قتل عام دبیرکل حزب کمونیست هند (مائوئیست) و (۲۶) تن از یاران مائوئیست همراهش در ۲۲ ماه می ۲۰۲۵، همه و همه دست باز داشته است و این توسعه طلبی ارضی همچنان به ضرر نیپال و بوتان ختم خواهد شد. همچنین در مناطق مورد مناقشه مرزی با چین رقابت می کند و سیاست استعمارگری تهاجمی و هندوئیزه کردن کشمیر اشغالی را ادامه می دهد، تا جایی که قصد دارد باقی مانده این سرزمین تحت اشغال پاکستان را نیز اشغال کرده و در نهایت موجودیت پاکستان را از میان بردارد و این خصومت میان هند و پاکستان ریشه تاریخی دارد که میتوان به طور خلاصه به ریشه های تاریخی آن قرار ذیل اشاره نمود:

هند، سرزمین با سرشماری یک میلیارد و ۴۶۰ میلیون نفر، یک به هم آمیختگی پیچیده از ملل و خلق ها، با زبان های مختلف، مذاهب و فرهنگ هایی که تفاوت های تاریخی آن از آنچه در اروپاست قدیمی تر است.

«در سال ۱۸۴۶، بریتانیا امپراتوری سیک را که بر کشمیر حکمرانی می کرد، شکست داد. چون سیک ها قادر به پرداخت غرامت جنگی نبودند، کشمیر را به بریتانیا

کشمیر همچنین اهمیت راهبردی زیادی دارد و گذرگاهی کلیدی از جنوب آسیا به آسیای میانه به شمار می‌رود.

برای هند، کشمیر نمادی از ملی‌گرایی به اصطلاح سکولار است، چرا که تنها منطقه با اکثریت مسلمان در میان جمعیت غالباً هندو مذهب این کشور است.



پاکستان کشمیر را بخش طبیعی از قلمرو خود می‌داند، جایی که برای مسلمانان شبه‌قاره در نظر گرفته شده است.

نگرانی سازمان‌های حقوق بشری:-

در سال ۲۰۱۹، اوضاع زمانی تشدید شد که دولت ملی‌گرای نازندرا مودی، صدراعظم هند، خودمختاری ویژه کشمیر را لغو کرد.

مسلمانان منطقه، نگران تغییرات جمعیتی هستند، زیرا قوانین جدید به هندوها از سایر نقاط هند اجازه می‌دهد در کشمیر ساکن شوند، امری که پیش از این ممنوع بود.

سازمان‌های حقوق بشری، هم پاکستان را به حمایت از گروه‌های تندرو و هم هند را به نقض حقوق بشر در کشمیر - جایی که حدود ۶۰۰ هزار سرباز مستقر شده‌اند - متهم می‌کنند.

با توجه به بی‌ثباتی در افغانستان، سین کیانگ و تبت، خطر آن وجود دارد که تنش‌های دوباره در کشمیر بتواند به بحرانی منطقه‌ای و گسترده‌تر تبدیل شود. » (رادیو آزادی - ۱۸ ثور ۱۴۰۴)

با در نظر داشت این پیشینه تاریخی و سیر حرکتی دولت هندوتوای هند تحت رهبری مودی، باید خاطرنشان ساخت که دولت توسعه طلب هند، با حمایت های بی دریغ امپریالیزم امریکا، در حال توسعه صنایع سنگین و تسلیحات جنگی خود است و روزبه روز بیشتر به تهدیدی برای صلح در جنوب آسیا و جهان تبدیل می شود. افزون بر این، اتحاد راهبردی آن با رژیم صهیونیستی اسرائیل، تأثیر منفی بر آرمان های ملت فلسطین گذاشته و گرایش های ارتجاعی در داخل را تقویت کرده است؛ از جمله کشتارهای جمعی و نسل کشی

علیه مردم و اقلیت‌های مذهبی‌ای که ایدئولوژی هندوتوا و سکولارزدایی از دولت هند تحت حاکمیت حزب و سازمان داوطلبان ملی‌گرای هند (RSS-BJP) مودی را نمی‌پذیرند. در واقع رژیم فاشیستی هند هم زمان جنگ داخلی علیه مردم را نیز به خاطر نابودی حزب کمونیست هند (مائوئیست) که از حمایت گسترده مردم و دهقانان و قبایل آدیواسی‌ها برخوردار است، ادامه می‌دهد.

«جبهه محصلین انقلابی هندوستان» به تاریخ ۹ ماه می در یک بخش از اعلامیه شان چنین نگاشته اند:

« هند و پاکستان کشمیر را اشغال و آن را به صورت نظامی تقسیم کرده‌اند و از سال ۱۹۴۷ صدای مردم مستقل کشمیر را سرکوب کرده‌اند. این دو کشور هیچ تلاشی برای فراهم کردن شرایط برگزاری همه‌پرسی طبق قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل - برای پیوستن کشمیر به هند/پاکستان یا تبدیل شدن به یک کشور مستقل - انجام نداده‌اند. در عوض، به دلیل جنگ سایه‌وار میان این دو کشور، درگیری‌های مرزی متعدد و جنگ‌هایی در مقیاس بزرگ علیه مردم کشمیر و توده‌های عادی هر دو کشور صورت گرفته است.

امروز نیز بار دیگر با جنگی تمام عیار روبه‌رو هستیم. در یک روز، ۲۶ شهروند دو کشور در درگیری میان فاشیزم هندوتوای هند و دولت نظامی اسلامی پاکستان کشته یا مجروح شدند که اغلب آنان کشمیری بودند.» (اعلامیه ۹ می جبههٔ محصلین انقلابی هندوستان)

در کنار این مسائل، هند تحت حاکمیت مودی فاشیزم، معاهدات آب‌های فرامرزی دو کشور را در شرایطی به حالت تعلیق در آورده است که ۸۰ درصد آب آشامیدنی مردم پاکستان به آن وابسته است. بناء مودی نه تنها از بمباران هوائی و جنگ تسلیحاتی زمینی بلکه حتی از جنگ منابع آب نیز برای گرسنه نگه داشتن مردم پاکستان استفاده می‌کند.

بالمقابل پاکستان نیز به پدافند هوایی و موشک پرانی به سمت هند، قدرت هسته ای خویش را با سقوط ۵ طیاره جنگنده هند به نمایش گذاشت؛ و با تصویب پیشنهاد شهباز شریف از طرف کابینه فدرال خود جنرال عاصم منیر، فرمانده



سیاست‌های توسعه‌طلبانه منطقه‌ای خود تلاش می‌کنند، به نمایش گذاشت. از جانب دیگر، پاکستان در روزهای اخیر حمایت دیپلماتیک کشورهای ترکیه، آذربایجان و ایران (که اسلام سیاسی را بعنوان دگترین خود به کار می‌برند) دریافت کرده است.

چهار روز پس از حملات متقابل هند و پاکستان، در ۱۰ می، با میانجی‌گری امپریالیزم امریکا، عربستان سعودی، ایران، امارات متحده عربی و بریتانیا، دو کشور به توافق آتش‌بس دست یافتند. با این حال، بلافاصله پس از اعلام آتش‌بس، گزارش‌هایی از نقض آن توسط هر دو طرف منتشر شد؛ اما در نهایت امر ترامپ مدعی میانجی‌گری میان هر دو دولت گردید و آتش‌بس را به نام خود گره زد.

بطور نمونه، امپریالیست‌های امریکایی در تلاش‌اند تا دوسیه جنگ روسیه - اوکراین را با شرایط خاص خود یعنی بهره‌برداری از عناصر کمیاب اوکراین بسته نمایند و همچنان با سگ‌هار منطقه (نتنیا‌هو) که نه تنها آتش‌جنگ در فلسطین اشغالی بلکه در سوریه، یمن، لبنان و ایران را شعله‌ور می‌سازد، دسته و پنجه نرم می‌کنند و بحران احتمالی تایوان و چین را نیز همواره نظاره‌گر و در کمین هستند.

از طرف دیگر سوسیال امپریالیزم چین به هیچ وجه نمی‌تواند جنگی گسترده و بالقوه هسته‌ای را در آستانه دروازه‌هایش تحمل کند، جنگی که می‌تواند مانع پروژه «راه ابریشم» گردد. جنگی که می‌تواند حمایت سیاسی، تسلیحاتی منطوقی را از پاکستان خدشه‌دار ساخته و به جانبداری سوق دهد؛ زیرا سال‌هاست که چین به پاکستان اسلحه می‌فروشد، سلاح‌هایی که به خوبی توسط ارتش پاکستان علیه هند استفاده گردید.

در تحلیل آخر، باید گفت که هند اعلام کرد عملیات «سندور» به‌عنوان پاسخ به حمله پهلگام و در چارچوب دفاع مشروع آغاز کرده است؛ از سوی دیگر، پاکستان این حملات را تجاوز به حاکمیت خود دانسته و عملیات «بنیان مرصوص» را واکنشی به آن عنوان نمود و اما درین میان «جبههٔ محصلین انقلابی هندوستان» با گرایش مائوئیستی، در دانشگاه‌ها به افشای سیاست‌های جنگ طلبانه و توسعه طلبانه دولت فاشیستی هندوتوای مودی پرداختند و رفقای حزب کمونیست هند (مائوئیست) نیز به شدت و با مقاومت هرچه تمام در برابر «عملیات کاگار» علیه دولت هندوتوای مودی می‌جنگند، اما اپورتونیست‌ها و رویزیونیست‌های هندی هم‌چون حزب کمونیست هند و حزب کمونیست هند (مارکسیست)، با بورژوازی خویش پیوسته تهاجم نظامی هند به پاکستان را با ستایش «دفاع از میهن» تحسین کرده‌اند. میهنی که در واقع زندانی برای مردم هندوستان و مردم جهان می‌باشد.

در تحلیل نهایی قربانیان اصلی چنین جنگی، پیش از هرچیز مردم تحت ستم کشمیر بوده و می‌باشند، چه آنان که تحت اشغال هند قرار دارند و چه کسانی که تحت اشغال پاکستان زندگی می‌کنند و حتی مردم عادی هر دو طرف نیز نمی‌توانند از آسیب‌های چنین جنگ استعماری - ارتجاعی در امان بمانند و دامن‌شان را خواهد گرفت.

شکست رژیم فاشیستی هند و رژیم ارتجاعی تکنوکرات پان اسلامیزم غلیط اسلام‌گرایی پاکستان فقط و فقط می‌تواند از طریق پیشبرد موفقانه جنگ طولانی مدت خلق از طریق پیش‌آهنگ انقلابی آن حزب کمونیست (مائوئیست) که راهبردی کامل برای رهایی کامل توده‌های ستم‌دیده هند، پاکستان و کشمیر است رقم بخورد.

در مجموع، جنگ ماه می ۲۰۲۵ میان هند و پاکستان، نه یک نبرد برای امنیت ملی یا تمامیت ارضی، بلکه بازتابی از تضادهای عمیق درون‌ساختارهای سرمایه‌داری منطقه‌ای و جهانی بود. این جنگ، با بهره‌گیری از ملی‌گرایی تهاجمی و ابزارهای پیشرفته نظامی، در واقع تلاشی بود برای تحکیم موقعیت طبقات حاکم و انحراف افکار عمومی از بحران‌های داخلی.

در چنین شرایطی، توده‌های ستم‌دیده‌ی هند، پاکستان و کشمیر - اعم از کارگران، دهقانان، بیکاران و فرودستان - نباید خود را ابزار تحقق منافع نخبگان سیاسی و سرمایه‌داران کشور خود قرار دهند. برعکس، آن‌ها باید این جنگ را نه به‌مثابه یک وظیفه ملی، بلکه به‌مثابه فرصتی تاریخی برای آگاهی طبقاتی و تحول بنیادین تلقی کنند.

اگر قرار است صلحی پایدار و عادلانه در منطقه برقرار شود، این صلح نه از دل بمب و موشک مرتجعین، بلکه از دل مبارزه مشترک کارگران و محرومان برای پایان دادن به سلطه امپریالیزم، سرمایه‌داری و نظام‌های اقتدارگرا خواهد آمد.

جنگ ماه می ۲۰۲۵ هند و پاکستان؛ نبردی استعماری در لباس دفاع ملی بود - و هیچ آینده‌ای ندارد مگر آنکه به انقلاب اجتماعی بینجامد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۳۰ می ۲۰۲۵ میلادی

www.cmpa.io

sholajawid@cmpa.io || sholajawid2@hotmail.com

Revolutionary Students' Front

S-1/407, B.P. Township, Kolkata 700094



جنگ باید فوراً متوقف شود



ماجرای نابوت‌ها در جنگ کارگیل نمونه‌ای از این موضوع است.

علاوه بر این، در نظام جهانی چندقطبی، درگیری موقت هند و پاکستان می‌تواند منجر به گسترش جنگی بزرگ در جبهه‌های مختلف در آسیای جنوب شرقی شود، چرا که این جنگ چیزی جز توطئه‌ای از سوی امپریالیست‌ها برای تجزیه دوباره جهان نیست — توطئه‌ای که معیشت کارگران را نابود خواهد کرد.

ما قاطعانه با این آماده‌سازی جنگی و جنایات دولت‌های هند و پاکستان مخالفت می‌کنیم.

برای جلوگیری از تبدیل شدن این درگیری موقت به جنگی تمام‌عیار، از تمامی نیروهای مترقی، دموکراتیک و چپ‌گرا می‌خواهیم که جنبشی گسترده علیه این جنگ به راه اندازند. ما همچنین خواهان توقف فوری جنگ نیابتی بین دو دولت در کشمیر تحت اشغال هند و پاکستان هستیم تا از این طریق، حق رأی مردم کشمیر طبق قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل تضمین شود.

با جنگ واکنشی امپریالیستی مقابله کنیم!

زنده باد حق تعیین سرنوشت تمام ملیت‌ها!

زنده باد همبستگی بین‌المللی!

کارگران جهان متحد شوید!

جبهه محصلین انقلابی هندوستان

۹ می ۲۰۲۵ میلادی

سازمان داوطلبان ملی گرای هند (RSS-BJP) برای پنهان کردن کوتاهی در تأمین امنیت پس از حادثه‌ی غم‌انگیز ۲۲ اپریل ۲۰۲۵ در پهلگام، حملات فیزیکی خود به مسلمانان و کشمیری‌ها را ادامه داده است.

دولت بی‌جی‌پی برای فرار از مسائل مهم ایمنی عمومی، مسئله جنگ طلبی ملی‌گرایانه در طرف مقابل را مطرح می‌کند. در همین حال، نیروی هوایی هند در شب ۶ تا ۷ می، ۹ نقطه در کشمیر تحت اشغال پاکستان را بمباران کرد. با وجود این که نیروهای مسلح هند فقط اردوگاه‌های تروریستی را هدف قرار دادند، گزارش رسانه‌های مختلف نشان می‌دهد که بمباران دولت هند باعث کشته شدن ۱۱ شهروند و زخمی شدن ۴۳ نفر شده است. از سوی دیگر، ۱۵ شهروند عادی نیز در نتیجه آتش توپخانه ارتش پاکستان در کشمیر تحت اشغال هند جان باخته و چندین نفر مجروح شدند.

هند و پاکستان کشمیر را اشغال و آن را به صورت نظامی تقسیم کرده‌اند و از سال ۱۹۴۷ صدای مردم مستقل کشمیر را سرکوب کرده‌اند. این دو کشور هیچ تلاشی برای فراهم کردن شرایط برگزاری همه‌پرسی طبق قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل — برای پیوستن کشمیر به هند/پاکستان یا تبدیل شدن به یک کشور مستقل — انجام نداده‌اند. در عوض، به دلیل جنگ سایه‌وار میان این دو کشور، درگیری‌های مرزی متعدد و جنگ‌هایی در مقیاس بزرگ علیه مردم کشمیر و توده‌های عادی هر دو کشور صورت گرفته است.

امروز نیز بار دیگر با جنگی تمام عیار روبه‌رو هستیم. در یک روز، ۲۶ شهروند دو کشور در درگیری میان فاشیزم هندوتوای هند و دولت نظامی اسلامی پاکستان کشته یا مجروح شدند که اغلب آنان کشمیری بودند.

چه کسی از این جنگ سود می‌برد و چه کسی زیان می‌بیند؟

بی‌عدالتی جنگ میان دو دولت واکنشی، فقط اندوه و درد برای زندگی کارگران به بار می‌آورد. این جنگ به تورم، بیکاری و نابودی منابع عظیم منجر خواهد شد و ساختار اقتصادی هر دو کشور را نابود می‌کند. تجربه درگیری‌ها و جنگ‌ها در نقاط مختلف جهان نشان داده که نه تنها با گلوله‌های ارتش‌ها، بلکه هزاران کارگر دیگر هم از گرسنگی جان می‌دهند. زمانی که ماشین جنگی بحران عمیقی برای کارگران به وجود می‌آورد، تنها کسانی که از آن سود می‌برند، شرکت‌های تولید سلاح در آمریکا، فرانسه، روسیه، دلان آن‌ها، گروه‌های صنعتی-نظامی و رهبران‌شان هستند.

----- پاورقی :

سازمان RSS-BJP در واقع به دو نهاد مرتبط با هم در سیاست و جامعه هند اشاره دارد:

۱. RSS (Rashtriya Swayamsevak Sangh) - سازمان داوطلبان ملی گرای هند:

یک سازمان راست‌گرای افراطی و ملی‌گرای هندو است که در سال ۱۹۲۵ تأسیس شد. ایدئولوژی آن بر پایه‌ی «هندوتوا» (Hindutva) یا «هندوی‌سازی» کامل جامعه هند بنا شده است. از نظر بسیاری از تحلیل‌گران، RSS سازمانی فاشیستی و شبه‌نظامی محسوب می‌شود. فعالیت‌های آن در زمینه آموزش ایدئولوژیک، اردوهای نظامی، تبلیغات فرهنگی و بسیج اجتماعی است. این سازمان هیچ‌گاه در انتخابات شرکت نمی‌کند، اما یک شبکه بزرگ از نهادهای وابسته یا مرتبط را هدایت می‌کند.

۲. BJP (Bharatiya Janata Party) - حزب مردم هند:

یک حزب سیاسی راست‌گرا در هند است که در دهه ۱۹۸۰ تشکیل شد. هم‌اکنون بزرگ‌ترین حزب سیاسی هند و حزب حاکم این کشور است (به رهبری نارندرا مودی). BJP بازوی سیاسی غیررسمی RSS محسوب می‌شود و بسیاری از رهبران آن پیشینه عضویت یا وابستگی به RSS دارند. سیاست‌های آن مبتنی بر ترویج فرهنگ هندو، مخالفت با اقلیت‌های مذهبی (به‌ویژه مسلمانان)، و ناسیونالیسم هندی است.

در یک جمله:

"RSS-BJP" عبارتی است که اغلب برای اشاره به اتحاد ایدئولوژیک و سازمانی میان RSS (بدنه ایدئولوژیک و سازمانی) و BJP (بازوی سیاسی و انتخاباتی) به کار می‌رود.

شعله جاوید، بی مرز و وطن

شعله‌ای افروخت جان خسته را
ریشه زد در استخوان بسته را
نه ز خاک و دود، بل از آرمان
از تبار خون و رنج بی‌امان
شعله‌ای جاوید، بی‌مرز و وطن
در دل هر کارگر، هر مرد و زن
نه دروغی پشت آن، نه بنده‌ای
هر که در راهش نه رفت، شرمنده‌ای
با شبیخون سکوت، خاموش نیست
چشم دشمن سوی آن، مدهوش نیست
شعله‌ای کز دل برآید، سر زند
دست‌های بسته را باور زند
شعله‌ام، جاوید مانم تا ابد
زنده با خونم، نه با نام و سند
زانکه در هر رنج، نورم شعله‌ور
همچنان پابرجا، ای کارگر!

شاعر (اول می ۲۰۲۵ م.)



با نهایت تأسف، درگذشت کا لویی جالادونی (۹۰ ساله) را اعلام می‌کنیم — فردی محبوب در میان توده‌ها، انقلابی‌ای راستین، انترناسیونالیست و پیشتاز صلح. کا لویی صبح روز ۷ جون ۲۰۲۵، حوالی ساعت ۹:۰۵ در شهر اوترخت، هلند (ساعت ۳:۰۵ بعدازظهر به وقت فیلیپین) در حالی که ۹۰ سال سن داشت، درگذشت.

در واپسین لحظات زندگی‌اش، کا لویی در کنار هم‌رزمانش، همسرش کا کانی و خانواده‌اش بود. کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین مراتب تسلیت خود را به خانواده او ابراز می‌دارد؛ خانواده‌ای که عشق، استقامت و حمایت‌شان در دهه‌ها خدمت او به آرمان انقلابی مردم فیلیپین، همراهش بودند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین

مجمع ملی جبهه ملی دموکراتیک خلق



افتخار و شکوه به رفیق کالویی!

یاد و راه انقلابی «کا لویی جالادونی» پیشتاز صلح و انقلابی راستین را گرامی بداریم!

بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین به افتخار کا لویی جالادونی

زندگی کا لویی خارق‌العاده بود. او در ۲۶ فبروری ۱۹۳۵ در جزیره نگروس در خانواده‌ای زمین‌دار و از سرمایه‌داران صنعت نیشکر به دنیا آمد. اما با وجود رفاه و امتیازاتی که در آن رشد یافت، از طریق تماس مستقیم با زندگی و رنج کارگران نیشکر، به آگاهی سیاسی عمیقی رسید.

او به‌عنوان یک کشیش کاتولیک پیشین، به‌طور جدی اصل «ترجیح برای فقرا» را به‌عنوان راهنمای زندگی برگزید. در قالب برنامه «کلیسا در محلات»، در

در پاس‌داشت یک عمر فداکاری و خدمت به انقلاب دموکراتیک نوین، کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین بالاترین افتخار خود را به کالویی جالادونی اعطا می‌کند. نقش بی‌بدیل او در ساخت و تقویت حزب و جبهه ملی دموکراتیک (NDF)، و در پیشبرد انقلاب دموکراتیک نوین، به‌ویژه از راه مبارزه مسلحانه و نیز سایر اشکال مبارزه از جمله مذاکرات صلح، فراموش‌ناشدنی است.

کا لویی امروز از دنیا رفت. او ۹۰ ساله بود.

جوامع روستایی محروم فعالیت می‌کرد و از نزدیک با فقر، بهره‌کشی و سرکوب دولتی آشنا شد. همین تماس مستقیم با توده‌ها، تحولی درونی در او ایجاد کرد و او را به خدمت‌گزار انقلاب بدل ساخت.

در ۱۷ فبروری ۱۹۷۲، کا لویی یکی از بنیان‌گذاران سازمان مسیحیان برای رهایی ملی (CNL) بود. او و همسرش کا کانی به عضویت هیئت اجرایی مجمع ملی این سازمان درآمدند. یک ماه بعد، در مارچ ۱۹۷۲، کا لویی به حزب کمونیست فیلیپین پیوست. بعدها یکی از سازمان‌های مؤسس جبهه ملی دموکراتیک شد.

پس از اعلام حکومت نظامی توسط مارکوس، کا لویی و کا کانی به فعالیت مخفیانه پرداختند. در سال ۱۹۷۳ دستگیر شده و در فورت بونیفاشو زندانی شدند؛ جایی که کا لویی تقریباً یک سال در سلولی تاریک و بدون پنجره در کنار ۶-۷ نفر دیگر زندانی بود. فشار نهادهای مذهبی و حقوق بشری موجب آزادی آن‌ها در جولای ۱۹۷۴ شد.

پس از آزادی، کا لویی بار دیگر به مبارزه انقلابی بازگشت. در سال ۱۹۷۵، در سازمان‌دهی اعتصاب تاریخی کارگران کارخانه «لا توندنیا» در مانیل نقش داشت؛ اولین اعتصاب کارگری بزرگ در دوران حکومت نظامی که ترس ناشی از آن را در هم شکست و جرقه جنبش‌های اعتراضی گسترده‌تری را زد.

در سال ۱۹۷۶، کا لویی برای انجام فعالیت‌های انترناسیونالیستی حزب به خارج از کشور رفت. با توجه به تهدیدهای امنیتی، او و همسرش در هلند پناهندگی سیاسی گرفتند. او به‌صورت خستگی‌ناپذیر برای جلب حمایت جهانی از انقلاب فیلیپین تلاش کرد.

در جولای ۱۹۷۷، کا لویی رسماً به‌عنوان نماینده بین‌المللی جبهه ملی دموکراتیک منصوب شد. او دفتر بین‌المللی این جبهه را در اوترخت تأسیس کرد و حمایت جهانی از مبارزه مردم فیلیپین علیه

دیکتاتوری مارکوس و آمریکا را سازمان‌دهی نمود. او همچنین برگزارکننده دادگاه دائمی مردم (۱۹۸۰) علیه نقض حقوق بشر رژیم مارکوس بود.

او در نقش نماینده بین‌المللی جبهه ملی دموکراتیک فیلیپین (NDFP)، ارتباطاتی با دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، جنبش‌های همبستگی و احزاب انقلابی جهان برقرار کرد و صدای مبارزه مردم فیلیپین را به جهانیان رساند.

در سال ۱۹۸۹، او به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد NDFP در مذاکرات صلح با دولت فیلیپین تعیین شد. در این نقش، او تعهد عمیق جنبش انقلابی به صلحی عادلانه و پایدار را نمایندگی می‌کرد — صلحی که به ریشه‌های اصلی درگیری یعنی بی‌زمینی، فقر و سلطه بیگانگان می‌پردازد. در طول مذاکرات متعدد، او با تمام قوا از اصول انقلاب دفاع کرد.

ما عمیق‌ترین سپاس خود را نثار کا لویی جالادونی می‌کنیم؛ برای اینکه عمر خود را وقف مردم فیلیپین، جبهه ملی دموکراتیک، و حزب کمونیست کرد. نقش عظیم او در پیشبرد مبارزات رهایی بخش خلق در ابعاد ملی و اجتماعی، همواره در یادها خواهد ماند.

با اندوهی عمیق در فقدانش، ما عهد می‌بندیم که میراث او — خدمت بی‌چشم‌داشت، فروتنی بی‌پایان، صداقت انقلابی، و تعهد راسخ به انقلاب دموکراتیک نوین — را تا پیروزی نهایی ادامه دهیم.

یاد کا لویی جالادونی گرامی باد!

راه انقلابی‌اش را ادامه دهیم!

کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین

۷ جون ۲۰۲۵



حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)



استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین
در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق « کا لویی جالادونی »



به حزب کمونیست فیلیپین !

با تأثر و تالم عمیق از درگذشت رفیق کا لویی مطلع شدیم. بدینوسیله مراتب عمیق تسلیت خود را به رفقای حزب کمونیست فیلیپین، جبهه ملی دموکراتیک خلق، نیروهای پیشرو، کارگران، دهقانان، روشنفکران متعهد و مبارزان راه رهایی خلق که در سنگر مبارزات مسلحانه فیلیپین می‌رزمند، عرض می‌داریم.

فیلیپین خواهیم بود و در سطح انترناسیونالیزم پرولتری متعهد به پیشبرد مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی بخاطر تشکیل کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی بوده و با عزمی متین، سازمان‌یابی و آگاهی طبقاتی به این کار ادامه خواهیم داد.

سرنگون باد امپریالیزم و ارتجاع !

زنده باد مقاومت خلق‌ها!

فراز و نشیب زندگی رفیق کا لویی طوری که در اسناد حزب کمونیست فیلیپین انعکاس یافته است، بیش از چند دهه مملو از مبارزات خستگی‌ناپذیر در برابر ستم امپریالیستی و ستم ملی بوده است که بخاطر پیشبرد انقلاب دموکراتیک نوین، به‌ویژه از راه مبارزه مسلحانه و نیز سایر اشکال مبارزه از جمله مذاکرات صلح، در سطح ملی و بین‌المللی بوده است و در نهایت امر به عمر ۹۰ سالگی درگذشت.

رفیق کا لویی که از عمر ۳۲ سالگی وارد مبارزات سیاسی در فیلیپین و به عضویت حزب کمونیست فیلیپین در آمد، تا زمان بدرود حیات، در خدمت این مبارزه قرار داشته است.

بیایید غم ناشی از دست دادن رفیق کا لویی را به عزم نبرد مسلحانه که از دستاوردهای رفیق کا لویی و آرمان‌های دیرپای وی می‌باشد، در سطح فیلیپین بدل نماییم. ما در کنار رفقای حزب کمونیست

کمیته روابط بین‌المللی

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۸ جون ۲۰۲۵ میلادی

۱۸ جوزای ۱۴۰۴ خورشیدی

www.cmpa.io

sholajawid@cmpa.io || sholajawid2@hotmail.com

به مناسبت هشتم مارچ روز جهانی زن - ستم جنسیتی با ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی پیوند تنگاتنگی دارد صفحه (۲۲)

پیام تسلیت و تجلیل از رفیق باساواراجو دبیرکل حزب کمونیست هند (مائوئیست) صفحه (۲۵)

پیام اجیت « به یاد رفیق باساواراجو » صفحه (۲۶)

اطلاعیه کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند بمناسبت کشته شدن رفیق باساواراجو صفحه (۲۷)

بیانیه مشترک احزاب و سازمان های م ل م بمناسبت کشته شدن رفیق باساواراجو صفحه (۲۹)

جنگ ماه می ۲۰۲۵ هند و پاکستان؛ نبردی استعماری در لباس دفاع ملی! صفحه (۳۳)

جنگ باید فوراً متوقف شود (اطلاعیه جبهه انقلابی محصلین هندوستان) صفحه (۳۷)

شعله جاوید بی مرز و وطن شعر صفحه (۳۸)

بیانیه حزب کمونیست فیلیپین به مناسبت درگذشت رفیق کالویی صفحه (۳۹)

پیام تسلیت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به حزب کمونیست فیلیپین صفحه (۴۱)

وبسایت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:



www.cmpa.io



Sholajawid@cmpa.io || Sholajawid2@hotmail.com



facebook.com/cmpa.io



twitter.com/cmpa_io



instagram.com/cmpa.io